

برای حفظ سلامت انقلاب شبکه ضد انقلاب را ریشه کن کنیم

شبکه ضد انقلاب در جریان توطئه جدید امپریالیسم آمریکا بر فعالیت خود افزوده است

صفحه ۴

نقشه‌ای که تکرار میشود

۱- تجربه تاریخی «چماق کمونیسم» در ۲۸ مرداد

یاید دین شما را از بین ببرد. استعمارگران را ترسانند که این کشور می‌رود ضمیمه شود به کشورهای کمونیست و منافع شما از بین می‌رود. در این میان يك مشت اوباش را راه انداختند با يك مشت قزاقها و قلدرهایی که الان هنوز هم هماندهاش هستند و سروصدا می‌کنند. این جور مردم را گویندند و این نهضت را درهم شکستند و بعد از آن چقدر کشته دادند؟

(از سخنرانی فقید سعید آیت‌الله طالقانی در شب‌اربعین (دیماه ۱۳۵۷) به نقل از کتاب «طالقانی و تاریخ»)

از توی قفسه پاکت‌ها شاید چهل تا پنجاه تا صدا تا برای من آورد و دیدم هه‌اش ترها و شعارهای کمونیستی است... و بعد فهمیدم نه برای من، برای تمام مراجع دین، برای مرحوم آیت‌الله بروجردی، آتقدر نامه‌های تهدیدیه آمیز نوشته‌اند. ولی خوب ما می‌دانیم، نمی‌خواهم بگویم اینجا مال اینها بوده است، مال آقایان کمونیست‌ها بوده است. بعد هم فهمیدم منشأش از کجاست، ولی به این اسم هم روحانیت و هم توده مردم را ترسانند، یعنی کمونیست ضد خدا، ضد دین، ضد نبوت، ضد وحی، می‌خواهد

«مگر همیشه ما را با این چماق نکویده‌اند، چماق کمونیسم ۴۸۱ مرداد هم ما را با این چماق کوبیدند، همین مسجد، در همین جا تفسیر را گفتیم. من در ۲۸ مرداد در ده بودم. آنجا وسیله روزنامه، رادیو و اینها آنوقت نبود. شنیدم که کوه‌تا شده و دکتر مصدق سقوط کرده و دولتش سقوط کرده. سرعت آمدن تهران. وقتی آمدن در همین محراب و همین مسجد، همین حاج ابراهیم خودمان (خادم مسجد هدایت) که آنوقت مشهدی ابراهیم بود و حالا حاجی ابراهیم شده، آنوقت جوان‌تر بود،

۲- ادامه آن سیاست توسط رژیم شاه

«برای اینکه حالت... داشته باشد به نام حزب کمونیست فعالیت شروع بشود. تهدید بازرگانان از قول کمونیست‌ها. (از دستورالعمل «ستاد بزرگ ارتشداران» در روزهای انقلاب، به نقل از اسناد ساواک - اطلاعات ۲۵ بهمن ۵۹)»

«خواستار منهدن امنیت دستور فرمائید موارد زیرین را توسط کارمندان و عوامل مرتبط در سطح شهر تهران شایع نمایند: - کمونیست‌ها سعی می‌کنند اغتشاشات را بنام مسلمانین به وجود آورند و از ترس گسترش اسلام اقدامات مخرب انجام می‌دهند...»

(از دستورالعمل ساواک به ماموران، در آذرماه ۱۳۵۷ - به نقل از اسناد ساواک - اطلاعات ۲۵ بهمن ۵۹)

«در زمستان سال ۵۶ جزوه‌ای از طرف یکی از گروه‌های کمونیستی تحت عنوان «فان حزب» (منظور حزب توده ایران است) و جنبش مسلمانان ایران منتشر شد و با توجه به شناختی که از این گروه داشتیم، وابستگی این گروه به خارج محرز بود و در آن موقع با فرصت طلبی گروه خود را جای جنبش معرفی می...

۳- همان سیاست بعد از پیروزی انقلاب

«ایران يك همسایه شمالی (شوروی) دارد، که پیوسته از جنبه‌های تاریخی و سنتی، تهدیدی برای حاکمیت ایران بوده است (برژینسکی - اطلاعات - ۸ دیماه ۱۳۵۹)»

«خطر بزرگ آن است که حزب توده ایران قدرت را در دست گیرد. به نظر ما خطری که همه ما را تهدید می‌کند از جانب جیبی‌ها است. حزب توده در ایران در انتظار آن است که این هرج و مرج تا آنجا برسد که این حزب احتمالاً بتواند خود را وارد صحنه کند.»

(ریگان - ۲۶ دیماه ۱۳۵۹) «شوروی بدین خیال که به مرور با جنگ فرسایشی می‌تواند خواب‌های گذشته خویش را تحقق بخشد و به آب‌های گرم دسترسی پیدا کند، با ادامه

نتایج کار کنفرانس جنبش کشورهای غیر متعهد

کار کنفرانس جنبش کشورهای غیر متعهد، که سه‌روز دردهلی نوب‌گزار بود، پایان رسید، در این کنفرانس ۱۴۰ کشور غیر - بقیه در صفحه ۴



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۴۸ پنجمین ۳۰ بهمن ۱۳۵۹، مطابق با ۱۳ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - بها: ۱۵۰ ریال

نکاتی چند درباره پاسخ دفتر روابط عمومی ریاست جمهوری به «نامه مردم»

۱- دفتر روابط عمومی ریاست جمهوری (مانند خود ریاست جمهوری) یک مقام رسمی است و مسئولیت اظهارات خود را بر عهده دارد.

۲- «دفتر» در این «پاسخ» حزب توده ایران را به «ناسزا» گویی و هتاک می‌تسم کرده است، ولی کلمه‌ای در اثبات این مدعا نیاورده، باین دلیل ساده که نتوانسته و نمی‌تواند بیاورد.

۳- در عوض «دفتر» در این «پاسخ» حزب توده ایران را «دسیسه‌گر»، «فیرصت‌طلب»، «خائن»، «ماجراجو»، «رسوا»، «سازشگر باسفاک‌ترین حکومتها»، «اخلال‌گر»، «همدست با محافل امپریالیستی»، «تفرقه‌افکن» و «نان‌خور» به نرخ روز برای بدست آوردن سهمی از قدرت» نامیده است.

ما مردم را به تفاوت می‌طلبیم بقیه در صفحه ۷

(۱۹۴۹/۵۹)، زیر عنوان «مدافعان اخلاق و منویت کیستند؟» انتشار داده است. درباره این «پاسخ» نکات زیرین گفتنی است:

«دفتر روابط عمومی ریاست جمهوری» پاسخی به مندرجات نامه «مردم» شماره ۲۵ بهمن ۵۹ در روزنامه «میزان» و روزنامه «انقلاب اسلامی»

در مصاحبه مطبوعاتی دیروز:

آیت‌الله بهشتی خواستار انتشار متن مذاکرات هیئت نمایندگی دولت موقت با برژینسکی شد

دکتر بهشتی: حمله به سخنرانی‌ها و مجامع محکوم است.

خود، در اشاره به گروه‌هایی که به سخنرانی‌ها و مجامع حمله می‌کنند، از جمله گفت: «بار دیگر به همه کسانی که بهر عنوان به اینگونه کارها دست می‌زنند، موکدا تذکر می‌دهم که این رویه محکوم است.» بقیه در صفحه ۷

آیت‌الله دکتر بهشتی، رئیس دیوانعالی کشور، در مصاحبه هفتگی خود، که با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی انجام شد، خواستار انتشار متن مذاکرات هیئت نمایندگی دولت موقت با برژینسکی شد. دکتر بهشتی در آغاز مصاحبه

ارتفاعات «آبادی» در گیلانغرب به تصرف رزمندگان انقلاب در آمد

رزمندگان انقلاب در ادامه نبرد با تجاوزگران صدامی ضربات جدیدی بر آنان وارد آوردند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه شماره ۴۰۸ خود، گوشه‌ای از عملیات رزمندگان انقلاب را اعلام کرده است.

برطبق این اطلاعیه، هلی‌کوپترهای ارتش جمهوری اسلامی ایران (هوانیروز) با حمله به مواضع دشمن در منطقه آبادان، ۳ لودر دشمن را منهدم کردند

و ۲ نظامی عراق را بهلاکت رساندند. در همین جبهه، یک لودر، دو خودرو نظامی و یک خودروی دیگر متجاوزین نابود شد و ۱۲ تن از تجاوزگران کشته و یا زخمی شدند.

همین اطلاعیه حاکیست که با آتش یگانهای نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خوزین شهر، دو ساختمان محل تجمع عناصر دشمن به آتش کشیده شد. همچنین به قوای ۳ لودر دشمن را منهدم کردند

پرونده سازی علیه حزب توده ایران عاقبت ندارد (۲)

خطر اصلی کجاست؟

صفحه ۴

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

ایران تابان

نشر به مستقل ایرانیان مقیم ایالات متحده و کانادا

شماره ۱۳۵۹ سال دوم، شماره ۴۷۸

رواندریکن

خطر بزرگ آن است که حزب توده در ایران قدرت را در دست گیرد

جنگ موافق است و برآن دامن می‌زنند» (میزان- شماره ۴۹) «همانطور که مبارزه ضد امپریالیسم برای ما مهم است، با مبارزه ضد سوسیال‌امپریالیسم شرقی می‌توان شعار نه شرقی نه غربی را تحقق بخشید.» (هاشم صباغیان - جلسه

مجلس - ۵ بهمن ۱۳۵۹) «آنچه واقعا ایران را تهدید می‌کند خطر سوسیال امپریالیسم شرق است. معلوم نیست چرا حکومت آخوندها شعار نه شرقی نه غربی را فراموش کرده و به مبارزه با روسیه نمی‌پردازد.»

برای حفظ سلامت انقلاب، شبکه ضد انقلاب را ریشه کن کنیم

شبکه ضدانقلاب در جریان توطئه جدید امپریالیسم آمریکا، بر فعالیت خود افزوده است

تشدید فعالیت شبکه ضدانقلاب، بویژه از طریق چماقداران، که امنیت قضائی را در کشور ما به بی اعتباری گشاده و خطرات جدی برای انقلاب پدید آورده است، یکبار دیگر ایجاب می کند که به نقی و فعالیت شبکه ضدانقلاب و خطرات ناشی از آن، نگاهی مجدد و جدی بیندازیم.

اکنون و پس از گذشت ۲ سال از پیروزی انقلاب بزرگ مردم ایران و در اوج تدارک توطئه عظیم تر و خطرناکتر امپریالیسم آمریکا برای انهدام انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، این واقعیت مورد تأیید کلیه نیروهای مدافع انقلاب قرار دارد که شبکه توطئه گر و مجرب و مخفی ضدانقلاب نقی برجسته ای در ایجاد تحریکات، درگیریها، تفرقه افکنیها و تبلیغات سوء علیه جمهوری اسلامی ایران دارد. بخشی از این شبکه ضدانقلابی، که در ارگانهای مختلف کشور نفوذ کرده است، با اقدامات تحریک آمیز و خلاف مصالح انقلاب، سوءظن و بدبینی در میان مردم نسبت به دولت و رهبری انقلاب می آفریند، و بخش دیگری، که خود را در میان مردم نهان کرده است، کار بخش نخست را تکمیل میکند و در بی اعتبار کردن جمهوری اسلامی و نهادهای آن، تمام تلاش و کوشش خود را بکار می بندد. فعالیت ضدانقلاب در تاکسی ها علیه انقلاب از نمونه های آنست.

امام خمینی این عملکرد را چنین توضیح داده اند:

«تمام آشفتگی هایی که بدست ضدانقلابیون و منحرفین انجام می گیرد، به گردن جمهوری اسلامی می گذارند.»

(۱۷ بهمن ۱۳۵۹)

در درگیریها و تحریکاتی که شبکه چنایتکار ضدانقلاب خود در بوجود آوردن آنها نقش فعال دارد، گروههای ضدانقلابی همواره حاضر هستند، به هر دوسو تیراندازی می کنند و زیر شعار دفاع از «کمونیسم»، یا دفاع از «اسلام»، میان گروههای مختلف مردم زد و خورد پدید می آورند و اگر امکان یابند، حتی شهری را به تشنج و اضطراب میکشند.

شبکه ضدانقلاب در موسسات و ارگانهای که با امور اقتصادی سروکار دارند، در خروج غیرقانونی ارز و واگذاری اعتبارها، در ایجاد کمبودها، اخراج کارگران، ممانعت از ملی شدن بازرگانی خارجی و اجرای اصلاحات ارضی بنیادی و... همواره آنگونه عمل می کند که عنصر جوان در اقتصاد ایران به زیان خلق و بسود بزرگ غارتگران سرمایه دار و مالک رشد یابد. شبکه تبلیغاتی ضدانقلاب نیز آماده است تا در میان خلق، تمام این نارسائیه را بحساب جمهوری اسلامی ایران بگذارد.

هرچند از نفوذ مخرب شبکه ضدانقلاب در رسانه های گروهی و مطبوعات بسیار کاسته شده است، اما هنوز اینجا و آنجا مواضع مهمی در اختیار دارد و توطئه های امپریالیسم خیری را در جهت تیره کردن روابط جمهوری اسلامی ایران با دوستان و متحدان خارجی و داخلی، خارج ساختن امپریالیسم چنایتکار آمریکا از آماج خشم مردم و نیروهای انقلابی به اجرا می گذارد.

از اینها گذشته، شبکه های مسلح و مجرب ضدانقلاب نیز هستند که بخوبی سازمان داده شده اند و آماده اند به هر گونه چنایتی برای ساقط کردن جمهوری اسلامی ایران دست بزنند. قور شخصیتها و مبارزان، بمب گذاری، حمله به مراکز سازمانهای سیاسی و کتابفروشیها و اجتماعات و اماکن و شعبات سپاه و کمیته ها و... از جمله اقداماتی است که این چنایتکاران برای انجام آن آمادگی دارند.

در همین زمینه، چنایتکاران ساواک، با اجبر کردن مثنی اویش متاد و اراذلی از قبیل باند شعبان برمن، ۲ سال است که صحن خیابانها را به عرصه درگیری و تشنج بدل کرده اند، تا قانون جمهوری اسلامی را بکلی بی اعتبار سازند و زمینه را برای بازگشت یک نظم ضدانقلابی هموار کنند.

۲ سال است چماقداران - که هزاران دلیل و سند و نمونه به رهبری ساواک و شبکه ضدانقلاب بر آنها حکم میکنند - دفاتر احزاب و گروهها را زیر لوای «اسلام» مورد حمله قرار میدهند و امنیت قضائی را بی اعتبار ساخته اند. آنها علیرغم مخالفت آشکار و صریح کلیه مسئولین جمهوری اسلامی با این اعمال ساواک منشاء - بهیچوجه با مقابله جدی روبرو نشده اند و آتشی برافروخته اند که دودش بچشم همگان رفت. آنها نخست به حزب توده ایران و دفاترش یورش بردند و سپس اکنون کار بجائی رسیده است که حتی روحانیون نیز از چماق آنان برکنار نیستند. آنها افراد ناآگاه را، که بر اثر بی تفاوتی مسئولان، می بیندازند عمل صحیحی انجام می دهند، آلت دست خود ساخته اند و برای ایجاد بدبینی در میان مردم و از میان بردن ثبات و امنیت جمهوری اسلامی، می کوشند.

در آستانه تمامی توطئه های خطرناک پیشین امپریالیسم آمریکا، چون تجاوز نظامی طیس، کودتای ۱۸ تیر و جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام حسین، شبکه گسترده ضدانقلاب، در ایجاد زمینه های توطئه نقی بزرگی ایفا کرده و همواره آمادگی خود را برای همکاری کامل و همدانیه با توطئه گران نشان داده بود.

بخش مهمی از این شبکه ضدانقلاب، که زیانهای جدی به ثبات و امنیت جمهوری اسلامی ایران وارد آورده، خوئیهای بسیاری از مبارزان انقلابی را بر زمین ریخته و هم آهنگی کامل خود را با دشمنان توطئه گر انقلاب ایران، نشان داده است. هزاران چنایتکار ساواک اند که متأسفانه از جنگ دادگاههای انقلاب گریخته اند و هنوز هم تحت کنترل دادگاههای انقلاب قرار ندارند. اینان که میانشان فعالین و سازماندهان کارگشته ساواک قرار دارند، نقش درجه اول در سازماندهی ضدانقلاب مجرب و خطرناک کنونی، ایفا کرده اند و میکنند و بیشک اگر با آنها قاطعانه و پیگیر برخورد نشود و هرچه سریعتر دستگیر و به مجازات نرسند و یا تحت نظارت کامل قرار نگیرند، خطرات و زیانهای جدی تری نیز برای انقلاب ایران ببار خواهند آورد.

درک مسئولیت نسبت به انقلاب حکم میکند که هرچه سریعتر و قاطع تر، تدابیر زیرین به اجرا گذارده شود:

۱- لیست ساواکیها بطور کامل و نه ناقص و جزئی و موضعی، با ذکر میزان مسئولیت آنها انتشار یابد و برای تصفیه و یا کنترل آنها در اختیار کلیه ارگانها قرار گیرد.

۲- فعالین و چنایتکاران سرشناس ساواک از طریق رادیو و تلویزیون و مطبوعات، با عکس و مشخصات، در سراسر کشور به مردم معرفی شوند و فعالیت وسیعی برای یافتن و دستگیری آنها آغاز شود.

۳- عناصر ضدانقلابی چماقدار، که به پنهانهای مختلف و زیرنامه های مختلف عمل میکنند، شناسائی شوند، برمد شناسانده شوند و تحت تعقیب قرار گیرند.

بیشک در صورت ادامه فعالیت شبکه ضد انقلاب، لطعات جدی بر پیکر انقلاب وارد خواهد آمد.

سلامت هرچه بیشتر انقلاب حکم میکند که شبکه ضدانقلاب درهم گوییده شود.

نتایج کار...

بقیه از صفحه ۱

متعهد از قاره های آسیا و آفریقا و امریکای لاتین شرکت کردند. نتایج بررسی مسائلی که در جلسات این کنفرانس مطرح گردید، در اعلامیه نهایی کنفرانس و دیگر اسناد مصوب در کنفرانس پزتاب یافت.

در اعلامیه نهایی کنفرانس دهلی نو آمده است که: «شرکت کنندگان در این کنفرانس با وجود اختلاف نظرها و ارزیابیهای گوناگون کشورها و غیره متعهد در مورد مسائل مربوط به اوضاع بین المللی و رویدادهای جهان، در مورد مسائل مهم از قبیل لزوم کاهش تشنجات بین المللی، قطع مسابقه تسلیحاتی و محو بقایای استعمار، محکوم کردن سیاستهای نو استعماری و نژادپرستی امپریالیسم و سیاست توسعه طلبانه و تجاوزکارانه دولت صهیونیستی اسرائیل اتفاق نظر کامل داشتند.»

در اعلامیه کنفرانس دهلی نظریه جنگ هسته ای محدود، که از جانب ایالات متحده آمریکا مطرح شده است، محکوم میشود. وزیران امور خارجه کشورها غیرمتعهد مسائل مربوط به راههای کاهش تشنجات و حل و فصل اختلافها و مناقشات در جنوب شرقی آسیا و خاور نزدیک و در دیگر مناطق جهان را مورد بحث و بررسی قرار دادند.

در این کنفرانس موافقتنامه های کمپدیوید، که با منافع خلق عرب فلسطین و دیگر کشورهای عربی در تناقض است، محکوم گردید.

شرکت کنندگان در کنفرانس دهلی مصراغه خواستار خروج واحدهای اشغالگر اسرائیل، از سرزمینهای کشورهای عربی و تأمین حقوق ملی خلق عرب فلسطین برای ایجاد کشور و تشکیل دولت مستقل ملی شدند. در اعلامیه نهایی این کنفرانس لزوم حل و فصل سیاسی اختلافها و از آنجمله حل و فصل سیاسی مسائل مربوط به افغانستان خاطر نشان شده است.

کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتعهد ضمن ابراز تأسف عمیق از جنگ تحلیلی دارودسته خیانت پیشه صدام علیه جمهوری اسلامی ایران، نمایندگان گویا، هند، ژامبیا و سازمان آزادیبخش فلسطین را مامور کرد، که تمام اقدامات ممکن را برای پایان بخشیدن به این جنگ بعمل آورند.

شرکت کنندگان در کنفرانس دهلی تکرانی جدی خود را از وخت اوضاع در منطقه اقیانوس هند، که در نتیجه گسترش حضور نظامی امپریالیسم امریکا و گسترش پایگاههای نظامی و تجهیز آنان با سلاحهای هسته ای روز به روز افزایش می یابد، ابراز داشتند.

در اعلامیه نهایی کنفرانس دهلی روی مفاد بیانیه سازمان ملل متحد درباره اعلام منطقه اقیانوس هند به عنوان منطقه صلح تأکید شده و از کشورها و این منطقه و دول بزرگ دعوت شده است که در کار کنفرانس کلمبو، که قرار است در تابستان سال آینده برای بررسی مسئله اقیانوس هند تشکیل شود، فعالانه شرکت کنند.

در اینجا این مطلب را باید خاطر نشان ساخت که امپریالیسم امریکا همواره در کار مذاکرات مربوط به مسئله اعلام اقیانوس هند بمنطقه صلح و تضمین امنیت و استقلال کشورهای این منطقه، کارشکنی کرده، از انجام مذاکرات در این باره امتناع ورزیده و در مقابل، طی دو سال اخیر، یعنی پس از پیروزی انقلاب ایران و انقلاب دمکراتیک در افغانستان، به پنهانهای گوناگون حضور نظامی و پایگاههای نظامی خود در این منطقه را گسترش داده است.

بر عکس، اتحاد شوروی، که خود میسر طرح پیشنهاد مربوط به غیرنظامی کردن منطقه اقیانوس هند و تبدیل آن به منطقه صلح در سازمان ملل متحد بوده، آمادگی خود را برای شرکت در کنفرانس کلمبو، که تابستان سال جاری مسیحی تشکیل خواهد شد، اعلام داشته است.

از سوی دیگر لئویدبرگ، رهبر اتحاد شوروی، طی دیدار چندی پیش خود از هند در سخنرانی که در پارلمان هند ایراد نمود، پیشنهادهای مشخص دولت اتحاد شوروی را در این باره تشریح کرد و تمام کشورهای منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند را به تشکیل کنفرانس جهت تأمین امنیت و استقلال کشورهای این منطقه و خروج تمام نیروهای نظامی خارجی از این منطقه فرا خواند.

در کنفرانس دهلی مسائل مربوط به پیشرفت اقتصادی کشورهای عضو جنبش غیرمتعهدها نیز مورد بررسی قرار گرفت. شرکت کنندگان در این کنفرانس بر روی خواست خود در مورد استقرار نظام نوین در روابط اقتصادی بین المللی تأکید کردند و این مطلب را، که در اسناد کنفرانس نیز بازتاب یافته، خاطر نشان ساختند که کشورهای سرمایه داری پیشرفته سعی دارند عوارض ناشی از بحران اقتصادی و مالی جهان سرمایه داری را، از راه مبادله های نابرابر کالا و ایجاد محدودیتهای گمرکی برای محصولات کشورهای در حال توسعه بر دوش این کشورها تحمیل کنند.

در اعلامیه نهایی کنفرانس دهلی همچنین لزوم تقویت و گسترش همکاریهای اقتصادی میان کشورهای غیرمتعهد خاطر نشان شده است.

ضرورت وحدت و یکپارچگی جنبش کشورهای غیرمتعهد بر مبنای اصولی که در منشور جنبش غیرمتعهدها اعلام گردیده، تأکید شد.

در کنفرانس دهلی بار دیگر سمت عمده سیاست جنبش غیرمتعهدها در مبارزه علیه امپریالیسم و نقشهای تجاوزکارانه آن بطور مشخص برجسته شد.

نمایندگان بسیاری از کشورهای غیرمتعهد شرکت کننده در کنفرانس دهلی به این مطلب اشاره کردند که مسئولیت اصلی روزافزونی و خدامت اوضاع جهان مستقیماً بر عهده امپریالیسم امریکاست. این اظهارنظرها بیانگر این واقعیت است که تدارکات جنگی گسترده امپریالیسم امریکا در مناطقی مختلف جهان، بویژه در منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس خطر مستقیمی است که استقلال و امنیت کشورهای این منطقه را تهدید میکند و دول کشورهای این منطقه برای مقابله با چنین خطری موظفند جبهه متحد ضد امپریالیستی از کشورهای مستقل ملی و همه نیروهای ترقیخواه را گسترش دهند و استحکام بخشند.

شرکت هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران بعنوان عضو کامل جنبش کشورهای غیرمتعهد در کنفرانس دهلی اقدام مثبتی بود در راه گسترش مناسبات ایران با جنبش غیرمتعهدها و شناساندن هرچه بیشتر چهره واقعی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در سطح بین المللی. اما متأسفانه روش هیئت نمایندگی ایران در این کنفرانس کمال مطلوب نبود، زیرا این هیئت نتوانست نقش خود را در افشای ماهیت امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا و توطئه های تجاوزی آن علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، و از آنجمله تجاوز امریکائی رژیم صدام، و در تحکیم مواضع ضد امپریالیستی در جنبش غیرمتعهدها تمام و کمال ایفاء کند. اتخاذ چنین روشی را باید از فقدان یک سیاست خارجی مدون مبتنی بر اصولی که گسترش پاسخگویی استحکام و گسترش مواضع بین المللی جمهوری اسلامی ایران و مرزبندی مشخص در میان نیروهای ضد امپریالیستی و هوادار استقلال ملی با نیروها و امپریالیستی و هواداران آن در عرصه جهانی باشد، ناشی دانست.

امید ما آنست که مسئولان کشور، بویژه مسئولانی که با سیاست خارجی سر و کار دارند، با شناخت عمیق تر خود از دوستان و دشمنان انقلاب ایران، با تلاش برای هماهنگی و همبستگی با جبهه نیروهای ضد امپریالیستی پشتیبان انقلاب ایران، از این فرصت و امکانات بین المللی بیشتر و بهتر در راه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران استفاده کنند.

را منهدم کنند و حدود ۲۰۰ نفر از تجاوزگران را به هلاکت برسانند.

بر طبق این اطلاعیه، در جبهه های جنوب نیز رزمندگان سپاه پاسداران دزفول طی عملیاتی، جاده تدارکاتی دشمن را در منطقه دقود پوکان، مین گذاری کردند که در نتیجه یک دستگاه لودر

ایران با انتشار اعلامیه ای، شرح قسمتی از عملیات دلاوران سپاه را با اطلاع همگان رساند. این اعلامیه حاکیست که در جبهه های غرب، در منطقه گیلانغرب در محور قاسم آباد پاسداران موفق شدند در طی حملات متعدد به تجاوزگران صدامی ۱۰ دستگاه خودرو، ۲ تانک و ۱۴ سنگر آنان

آتش رزمندگان انقلاب، ۷ سنگر اجتماعی، ۵ خودروی نظامی، ۴ توپ ۱۲۲ میلیتری، ۲ دکل مخابراتی و یک پاسگاه دشمن منهدم شدند.

عملیات پاسداران انقلاب

روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

کیلانغرب توسط پاسداران جانباز انقلاب و پشتیبانی آتش یکانهای نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به تصرف درآمد.

در این عملیات ۲ تانک، ۲ تفنگ نیمه سنگین ۱۰۶ میلیتری و ۱۲ سنگر دشمن منهدم شد و حدود ۵۰ نفر از قوای خصم به هلاکت رسیدند. همچنین در مناطق کوخلان و پنجورین درائ

ارتفاعات «آبادی»..

بقیه از صفحه ۱

متجاوز صدام در نوار مرزی بصره تلفات سنگینی وارد شد و برج دوده بانی المعامر واقع در منطقه فاو به آتش کشیده شد.

دیروز (۲۸ بهمن) نیز ارتفاعات «آبادی» در منطقه

دشمن با سر نشینانش منهدم شد. همچنین پاسداران انقلاب با نفوذ در جاده دهران در منطقه دشت عباس، موفق شدند با مین گذاری جاده، یک تفریر دشمن را منهدم و ۵ تن از تجاوزگران صدامی را به هلاکت برسانند. واحد خمپاره انداز سپاه نیز ۶ سنگر اجتماعی دشمن در منطقه جنوب را بکلی منهدم کرد.

پرونده سازی علیه حزب توده ایران عاقبت ندارد (۲)

خطر اصلی کجاست؟

"خطر" شوروی و اردوگاه سوسیالیسم سخن می گوید که مدافع منافع امپریالیسم و ارتجاع در ایران است. این نویسنده احساس می کند که موضوع مورد دفاع او، یعنی منافع پلید امپریالیسم و سرمایه داری غارتگر در ایران و منطقه، از طرف انقلاب ایران تهدید می شود و این انقلاب مورد حمایت اردوگاه سوسیالیسم است. ما برای این که خیال نویسنده مقاله ضد توده ای "انقلاب اسلامی" و همه هم فکراتش را راحت کنیم، یادآوری می کنیم که احزاب کمونیستی و کارگری جهان در کفرانس ۱۲ سال پیش خود تصریح کرده اند که:

"امپریالیسم ازبازگرداندن ابتکار تاریخی از دست داده و به عقب برگرداندن سیر تکامل جهان معاصر عاجز است."

امروز این نتیجه گیری را به مراتب مطمئن تر از دوازده سال پیش می توان تکرار کرد. امپریالیسم آمریکا واقعا هم هیچ غلطی نمی تواند بکند. بدون تردید عرق آقای ریگان خیلی زود سرد خواهد شد و خلق های مبارز جهان، و از جمله کشورهای سوسیالیستی، بی شک این گاو بیاز دیوانه را سرچای خود خواهند ساختند. ولی این به هیچ وجه بدان معنا نیست که گویا انقلاب خلق های اسپر را دیگر خطر آمریکا تهدید نمی کند و خطر از جای دیگر است. امپریالیسم تا وقتی وجود دارد - خطر واقعی و اصلی است برای انقلاب های جهانی. و امروز که گروه ریگان با گستاخی و وقاحت به میدان آمده است و به طور آشکار از ضرورت تغییر حکومت در ایران سخن می گوید، فقط نوکران دیپلمه امپریالیسم و یا آن ها که در ناآگاهی مطلق به سر می برند، می توانند این خطر را کوچک بگیرند.

ظاهرا گردانندگان "انقلاب اسلامی" برای این که از زهر نویسنده مقاله ضد توده ای بکهند، در مورد این که کدام خطر بزرگ تر است، مقداری به نوشته همکار خود اضافه کرده و اظهار نظر کرده اند که: "این که کدام یک از دو ابرقدرت امروز قوی تر است و یا دوران طلایی امپریالیسم آمریکا به سر آمده و یا خیر، مطلبی است قابل بحث!" منتها در مورد کشور ما "بسه عملت استعمار ۳۰ ساله و پایگاه های داخلی که از آن برخوردار است و همچنین ضربات سختی که از انقلاب ایران متحمل شده، همچنان دشمن اصلی جمهوری اسلامی ایران است. البته این بدان معنا نیست که پایگاه های داخلی ابرقدرت شوروی و خطرات آینده آن را نیز نادیده بگیریم و این کشور را جز کشورهای "دوست" بسه حساب آوریم."

این اظهار نظر گردانندگان "انقلاب اسلامی" نمونه بارزی است از ایجاد محیط ابهام، پنهان کردن عقیده واقعی و باطنی گردانندگان "انقلاب اسلامی" خود را مخالف جو ابهام معرفی می کنند، ولی از موثرترین عوامل ایجاد چنین محیطی هستند، زیرا هرگز نخواسته اند و نمی خواهند که منظور واقعی، برنامه واقعی و متنی واقعی خود را به طور روشن به مردم بگویند. در همین مورد مشخص، چنان که می دانیم، مسئله بی نهایت اساسی و بنیادی است. این که گروه و دسته ای امپریالیسم آمریکا را خطر اصلی بدانند یا نه، تمام متنی و برنامه آن ها تفاوت می کند. در چنین مسئله

بنیادی، روزنامه "انقلاب اسلامی" یکباره هوس می کند که "دموکرات" باشد، "بحث آزاد" بکند، به یکی از نویسندگان خود اجازه دهد که یک ماهه نظیم درباره این مسئله اساسی نظری خلاف واقع و خطرناک بنویسد و منتشر کند و آن گاه هیئت تحریریه "انقلاب اسلامی" به نعل و به میخ بزند. معلوم نیست اگر روزنامه "انقلاب اسلامی" واقعا خطر اصلی را آمریکا می داند، چگونه اجازه می دهد که فرد مجهول الهویه ای یک ماه و نیم تمام در صفحات این روزنامه شلتاق کند و ضد عقیده هیئت تحریریه مطلب بنویسد، و اصولا چگونه چنین کسی را به عنوان همکار تحمل می کند؟ مگر برای همکاری با روزنامه "انقلاب اسلامی" هیچ ضابطه ای نیست؟ آیا "انقلاب اسلامی" واقعا این قدر تریبون آزاد است؟ باور کنیم؟

دفاع آشکار از سرمایه داری وابسته غارتگر

نویسنده مقاله ضد توده ای "انقلاب اسلامی" به طور آشکار از سرمایه داری و به قول خودش "کسب و کار آزاد" دفاع می کند و می گوید که راه رشد غیر سرمایه داری، که حزب توده ایران تبلیغ می کند، به معنای "برهم زدن کسب و کار آزاد و دادوستد آزادانه است." کسانی که صاحب حداقل سواد سیاسی هستند، می دانند که راه رشد غیر سرمایه داری هنوز به معنای "برهم زدن کسب و کار آزاد" نیست، بلکه به معنای از میان بردن کامل فتوایدیسم، درهم پیچیدن کسب و کار سرمایه داران بزرگ غارتگر و گسترش بخش دولتی و تعاونی ها است. و کسب و کار آزاد تولید کنندگان کوچک، دهقانان و پیشه وران و صاحبان کارگاه های کوچک و کسبه ادامه می یابد و در چارچوب دفاع از تولید داخلی و منافع توده های مردم مورد حمایت قرار می گیرد. ممکن است نویسنده مقاله ضد توده ای "انقلاب اسلامی" نتواند این گونه مطالب را درک کند، ولی بنابه ششم طبقاتی خود احساس می کند که انقلاب ایران منافع فتوایدیسم و سرمایه داران وابسته را به خطر انداخته است. منظور او از "کسب و کار آزاد"، ادامه غارتگری انحصارات امپریالیستی، سرمایه های وابسته، بزرگ مالکان، دلالان، رباخواران و قاچاقچیان است.

چه کسی در ارگانه های انقلابی رسوخ می کند؟

روزنامه "انقلاب اسلامی" عدتها است این فکر را تلقین می کند که گویا حزب توده ایران در ارگان های انقلابی رسوخ کرده و به طور غیر مستقیم زمام بسیاری از امور را به دست گرفته است! این فکر در نوشته نویسنده مقاله ضد توده ای "انقلاب اسلامی" نیز محور اصلی است و در این مورد نیز به طور بسیار "علمی" شرح و بسط می دهد ولی چون دلیلی و حتی شبه دلیلی هم ندارد، باز هم "کتاب" نوشته شده "پاناماریف" را بهانه می کند و این بار نه فقط برای حزب ما بلکه برای همه نهاد های انقلابی پیرونده می سازد

درباره رسوخ، نفوذ، القاء ایدئولوژی و نظایر آن، که تکیه کلام روزنامه "انقلاب اسلامی" است، باید یادآوری کنیم که نظریه رسوخ کمونیست ها در دولت یا سازمان های انقلابی، مال خود این روزنامه نیست، این نظریه مبتذلی است که "سیا" لاقل سی سال است آنرا اعلام کرده و ساواک آنرا پایه بسیاری از اقدامات جنایتکارانه خود قرار داده است.

موافق این نظریه، "کمونیسم" به طور بدیهی و بدون این که نیازی به بررسی و رای محکمه و حتی محکمه نظامی باشد، "جرم" اعلام می شود، و سپس هر سازمان ضد امپریالیست و هر شخصیتی که حاضر به تسلیم در برابر "سیا" نباشد، به داشتن نظریه کمونیستی متهم می گردد و مجرم و شایسته مجازات اعلام می شود. به عبارت دیگر، موافق این نظریه - پلیسی - فاشیستی، هر مخالفی، کمونیست، و هر کمونیستی مجرم است.

ماوران "سیا" دکتر مصدق را هم "کمونیست" می نامیدند و سرنگونی حکومت او را به این "دلیل" لازم می دانستند! کریمیت روزولت، رهبر عملیات کودتای ۲۸ مرداد، چند روز قبل از کودتا مدعی بود که:

"قدرت در ایران به واقع دست حزب توده است."

آیزنهاور در نطقی که به تصریح کریمیت روزولت - دستورالعمل کودتا بود، در ۱۴ مرداد ۳۲ گفت:

"دکتر مصدق در فراندوم از حزب کمونیست استفاده کرد و کمک گرفت. تهدید کمونیست ها نسبت به کشورهای آسیا اساسا برای آمریکا شوم و خطرناک است. آمریکا ناچار باید این راه را مسدود کند."

عمال آمریکا هم در ایران همین حرف ها را تکرار می کردند، تازمینه کودتا را سرانجام فراهم کردند و دکتر مصدق را به نام "کمونیست" از حکومت انداختند. دکتر مصدق در زندان اعتراف کرد:

"دول بزرگ کمونیسم را بهانه کرده اند، برای این که ۴۰ سال دیگر از معادن نفت ما سوء استفاده کنند." این ها دیگر پیرونده سازی "علمی" نویسنده مقاله ضد توده ای "انقلاب اسلامی" نیست. تاریخ است. به خط دکتر مصدق و به خط کریمیت روزولت نوشته و منتشر شده است.

اما بخش مهم تر تاریخ این است که، وقتی کودتای ۲۸ مرداد با موفقیت انجام شد و زمانی که تمام دستگاه دولتی دکتر مصدق به دست کودتاچیان افتاد، حتی یک نفر عضو حزب توده ایران در این دستگاه نبود و، برعکس، تقریبا همه بیست های حساس در دست عمال پنهان و آشکار آمریکا و انگلیس بود، که پس از کودتا هم همکاری خود را با رژیم کودتایی ادامه دادند.

قاعدتا گردانندگان "انقلاب اسلامی"، که این همه داعیه وسعت نظر و دوری از انحصار طلبی دارند و خود را افراد متمدنی جا می زنند که گویا در قله آزادی خواهی اند، نباید داشتن عقیده های مخالف عقیده خود را جرم بدانند. آن ها نباید مخالف خود را با کمونیست نامیدن، هو کنند. این کار شایسته افراد واقعا متمدن نیست، ولی حالا که متأسفانه حرف کریمیت روزولت را تکرار می کنند و از رسوخ توده ای ها در ارگان ها خبر

می دهند، آیا می توانند نام یک توده ای را ببرند که در دستگاه دکتر مصدق "رسوخ" کرده بود؟

امروز هم کریمیت روزولت ها و جناب ریگان دروغ می گویند که حزب توده ایران در دستگاه دولت جمهوری اسلامی ایران "رسوخ" کرده است. آن ها می دانند که چنین نیست. آن ها هر انقلابی ایرانی را که ضد امپریالیست باشد، کمونیست و توده ای می نامند. تمام این جنجال درباره "رسوخ" حزب توده ایران در حکومت برای مرعوب کردن مخالفین خود، کنار زدن آن ها و گرفتن جای آن ها است.

خصوصیت انقلاب ایران چنین بود که دستگاه دولتی رژیم سابق به طور کامل شکست. دولت موقت این دستگاه را تا جایی که توانست حفظ کرد و چنان امکانی فراهم آورد که مهره های آمریکایی جدید نظیر امیرانتظام توانستند در مقامات حساس جای بگیرند. در این دو سال نام ده ها نفر از عمال آمریکا، که در مقامات جمهوری اسلامی ایران رسوخ کرده بودند، افشا شده است و قطعا بسیاری دیگر هستند که هنوز افشا نشده اند. روزنامه "انقلاب اسلامی" این رسوخ واقعی را نمی بیند و ظاهرا نمی خواهد ببیند. "انقلاب اسلامی" برای مهره های آمریکا، که افشا می شوند، دل سوزی می کند و بر سر "رسوخ" حزب توده ایران، که حتی

یک نمونه از آن نبوده و نخواهد بود، جنجال به راه می اندازد. چرا؟ سیاست حزب توده ایران نسبت به جمهوری اسلامی ایران سیاست روشن و صادقانه ای است. ما می خواهیم این جمهوری تحکیم شود و روی پای خود بایستد. تحلیل علمی طبقاتی ما را به این نتیجه رسانیده است که انقلاب ایران و جنبش اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی زیر رهبری امام خمینی، در سنت تکامل جامعه بشری است، ما به پیروزی این جنبش علاقمند و در تحکیم آن دینفیم. ماصریحا اعلام می کنیم که در هیچ مقام دولتی جمهوری اسلامی ایران "رسوخ" نکردیم، نمی کنیم و نخواهیم کرد.

مناسبات ما با نهادهای انقلابی روبرو و با مهر و امضای رسمی حزب توده ایران است. ما در همه جا به طور رسمی علاقمندی خود را به همکاری اعلام می کنیم و هر جا که پذیرفته شود، صادقانه عمل می شویم؛ در تولید کارخانه، درردو گندم، در تجهیز کک به جبهه جنگ زدگان، در ایثار جان در جبهه جنگ، در ارائه طرح به مقامات جمهوری اسلامی در مسائلی که خود آن ها رسما و از طریق رسانه های گروهی از همه سازمان ها بخواهند، هر چه از دستمان برآید برای جمهوری انجام می دهیم. ولی تسبیح به دست و ماسکه چهره در حکومت رسوخ نمی کنیم. شاید نویسنده مقاله ضد توده ای "انقلاب اسلامی" قیاس بهمنس می کند!

چه کسی برای ایجاد علم ثبات می کوشد؟

گفتم که حزب توده ایران در تثبیت و تحکیم مواضع جمهوری اسلامی ایران دینفیم است. ما میدانیم که شکست این جمهوری، شکست همه نیروهای انقلابی ایران و از جمله حزب توده ایران است. پس از کودتای ۲۸ مرداد، حزب ما بیش از چهار هزار نفر زندانی، ده هزار نفر تبعیدی و اخراجی و در بهدر داشت و ده ها نفر کشته داد. اما تعداد زندانیان جبهه ملی و سران حکومت دکتر مصدق به تعداد انگشتان دست نرسید. فقط یکی از هزاران توده ای بقیه در صفحه ۶

امپریالیسم آمریکا و عملیه و اگره توطئه گر آن در داخل کشور، مدعیند که از جانب آمریکا خطری انقلاب ایران را تهدید نمی کند. خطر گویا از جانب اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیسم است. این مطلب را صدای آمریکا، بی بی سی، رادیوی بختیار، رادیو اویسی، کارمندان "سیا" و کودتاچیان و عمال ساواک، صاف و پوست کنده و بدون ادا و اصول می گویند و تکرار می کنند. اما نویسنده مقاله ضد توده ای "انقلاب اسلامی" همین مطلب مبتذل را، "دانشمنده" مطرح می کند و بیچ و تاب "علمی" می دهد. خلاصه حرف بسیار "علمی" نویسنده مقاله ضد توده ای "انقلاب اسلامی" این است که: چون نیروهای انقلابی جهان و اردوگاه سوسیالیسم با سرعت بیشتری رشد می کنند و قدرت اقتصادی آن ها روز بروز بر قدرت سرمایه داری جهانی و اردوگاه امپریالیستی می چرند، پس این خطر بزرگ تر است!

نویسنده مقاله ضد توده ای "انقلاب اسلامی" برای اثبات "علمی" این مطلب که سوسیالیسم بر سرمایه داری فائق می آید، "کتاب" پاناماریف را زیر و رو می کند و صفحه و پاراگراف نشان می دهد. در حالی که در این باره که قدرت نیروهای انقلابی جهان و اردوگاه سوسیالیسم روز افزون است و قدرت امپریالیسم و ارتجاع جهانی روبه افول، نیازی به مراجعه به این "کتاب" نیست و این حرف، حرف پاناماریف تنها هم نیست. تمام انقلابیون جهان این حرف را، که انعکاس واقعیت است، می زنند. واقعا هم سوسیالیسم بر سرمایه داری برتری دارد. واقعا هم نیروهای انقلابی جهان بر نیروهای ضد انقلاب برتری یافته اند. قدرت آنان نیز در حال افزایش مداوم است. تنها قدرت اقتصادی و نظامی کشورهای سوسیالیستی و کشورهای ازبند رسته هم نیست که رشد می کند، رفاه مردم این کشورها، سطح فرهنگ و تمدن آنها، اعتبار و تاثیر بین المللی آنها نیز روز افزون است. ولی آیا از اینجا می توان این نتیجه را گرفت که کشورهای سوسیالیستی خطر بزرگ تری هستند؟ با این شیوه تحلیل "علمی" که نویسنده مقاله ضد توده ای "انقلاب اسلامی" ادامه می دهد، نه فقط در ایران، بلکه در مقیاس جهانی سوسیالیسم "خطر بزرگ تر است"، زیرا که قدرت سوسیالیسم نه در ایران، بلکه در جهان بر قدرت امپریالیسم چیره می شود. آری، قدرت انقلاب در سرتاسر جهان بر ضد انقلاب برتری می گیرد. هم اکنون انقلاب ایران حساب های ارتجاع منطقه را به هم زده است. اگر این انقلاب یا بگیرد و هر روز بر قدرت آن افزوده شود، آیا جمهوری اسلامی ایران "خطر بزرگ تر" خواهد بود؟ البته صدام حسین و شاه اردن و ملک سعود و تمام مرتجعین منطقه چنین می گویند. ولی نظر انقلابیون منطقه و جهان چنین نیست، زیرا موضوع خطر و موضوع تهدید تفاوت می کند. چه چیزی و از طرف چه کسی مورد تهدید است؟ رژیم شاه ملعون از طرف انقلاب ایران تهدید و سرنگون شد. ارتجاع منطقه را "خطر" انقلاب تهدید می کند و برای ملک سعود خطری بزرگ تر از نیروی انقلابی مردم عربستان، که مورد حمایت همه انقلابیون جهانند، وجود ندارد. برای امپریالیسم آمریکا هم خطری بزرگ تر از خطر اردوگاه سوسیالیسم و جنبش های رهایی بخش جهان نیست. ولی انقلاب ایران را چه خطری تهدید می کند؟ خطر پیروزی سوسیالیسم بر سرمایه داری؟ خطر گسترش نیروی انقلاب جهانی؟ نویسنده مقاله ضد توده ای "انقلاب اسلامی" به این دلیل از

از زندگی زحمتکشان

باربران میگویند: آمریکا می خواهد همه چیز ما را بگیرد. تا خون در رگ ماست، برای انقلاب می جنگیم

کارگران باربر، با کار طاقت فرسای خود، جزء محروم ترین زحمتکشان میمانند

باربران میدانها از جمله محرومترین زحمتکشان کشور ما هستند. از اولین ساعات روز تا تاریک شدن هوا کار می کنند، و علیرغم کار سنگین و طاقت فرسای خود، دستمزدی ناچیز دریافت می کنند. درآمدی که با گرانی موجود، کفاف زندگی شان را نمی کند. فشار زندگی بردوشان سنگینی می کند، ولی با این حال مجبورند برای تأمین زندگی خود آنها را تحمل کنند و بخاطر شرایط کنونی ناشی از جنگ دم برنیاورند. با تندی چند از آنها به گفتگو نشستیم. در دورنشان را بازگو می کنند و خواستار رسیدگی به آنها هستند.

علی مردی، در حدود پنجاه ساله، می گوید: "من سه سال است باربری می کنم. از صبح زود تا شب کار می کنم. کشتی میوه های دیگران است. درآمدم در روز حداکثر پنجاه الی شصت تومان است. شش نفر عائله دارم. مستاجر هستیم. ما می سیمد تومان کرایه خانه می دهیم و روزی سه تومان هم کرایه پیکنداری این چرخ را می دهیم."

درباره جنگ می گوید: "عراق به خاک ما تجاوز کرده. باید آنرا سرکوب کرد. آمریکا پشتیبان عراق است. همه گونه کمک به عراق می کند. آنها بارها ما را بمباران می کنند. مخالفند. می خواهند انقلاب ما و رهبر ما را از بین ببرند. در مورد مسئله احتکارات نیز می گوید:

"من که زور نمی رسد، دولت باید جلوی اینها را بگیرد. من با این درآمد کم، با این گرانی چگونه زندگی کنم؟ غذای ما نان خالی است. درباره اینکه تعلیمات نظامی دیده است یا نه، می گوید: "من وقت اینطور کارها را ندارم. اگر یک روز کارم را تعطیل کنم، خانواده ام گرسنه خواهد ماند."

در مورد اینکه چرا به این کار روی آورده است، می گوید: "در ابتدا من زمین کوچکی داشتم، ولی آن را از دستم در آوردم. مجبور شدم برای تأمین زندگی زن و فرزندم به تهران بیایم. چند سال خانوادها مدرسه بودند، ولی چون این وضع برای مشکل بود، آنها را هم به تهران آوردم. الان شب و روز زحمت می کشم، با زبانی وقت ها مجبوریم گرسنگی بکشیم."

علی می گوید: "اگر دولت به ما زمین بدهد و وسایل لازم در اختیارمان بگذارد، حتما به ده برخواهیم گشت. این روزها کار ما خیلی کم شده، چرخ های ما زیاد شده اند. هر کس بیگار می شود، چرخ بدست می گیرد و اینجاست که کار می کند."

درباره وضعیت فعلی می گوید: "برای کمک به جیبه، هر چه از دستمان بر بیاید انجام می دهیم. اگر ما فرمان بدهد، در جیبه حاضر خواهیم شد. پیروزی در این جنگ از آن ماست."

با یکی دیگر از باربران سبزه میدان گفتگو می کنیم. اسم او کریم محمود است و هشت سال است باربری می کند. می گوید: "من در اینجا شبها خانه دخترم می خوابم."

درباره جنگ می گوید: "اگر ما فرمان بدهد،"

همین الان به جبهه می روم. آمریکا می خواهد همه چیز ما را بگیرد. ما باید ایران را حفظ کنیم. وظیفه ما این است که به جبهه کمک کنیم." علی نظری، یکی دیگر از کارگران، که موهایش سفید

را بدهم، بزودی با پدیده سربازی بروم. از زمانی که یاد می آید، کار کرده ام. پدرم از دارو و سدا ر دنیا هیچ نداشت. من از کودکی کارگری کرده ام. قبلا چوپان بودم. زمستانها اینجا کار می کردم و باستان ها به ده بر می کردم."



ماباید ایران را حفظ کنیم. وظیفه ما این است که به جبهه کمک کنیم.

شده، می گوید: "دو سال است بیکارم خرج ۴ نفر را با پدیده ام. درآمد مسدود خلی کم است. دستن را در جیب فرو می بردم و یک سکه دو تومانی در می آوردم می گوید: "از صبح تا بحال همین دو تومان گیرم آمده. با این گرانی با این درآمد کم، چه بکنم؟" احمد، یکی دیگر از باربران، می گوید:

"یک ماه است باربری می کنم و روزی ۴۰ تا ۵۰ تومان درآمد دارم. خانواده، ماده نفی است، ولی فقط دو نفر از آن، یعنی من و پدرم، کار می کنیم. هر چه درآمد دارم، برای خانواده ام می فرستم."

درباره جنگ می گوید: "این جنگ را عراق شروع کرده و آمریکا او را کمک میکند. ولی ما پیروزیم. تا خون در رگ ماست، برای انقلاب می جنگیم." عباس، یکی دیگر از باربران می گوید:

"متولد ۱۳۲۱ هستم. دو ماه است که اینجا کار می کنم. با پدرم یک خانواده هفت نفری

اکثر باربران میدانها، روستاییان بی زمین و کم زمین هستند، که به علت فقر شدید مالی و بخاطر نداشتن زمین و وسایل ضروری کسب و کاری، به تهران آمده اند، تا زندگی بهتری را برای خود ایجاد کنند، اما در تهران نه تنها زندگی بهتری نیافتند، سهل است، هر چه بیشتر در فقر غرق شدند.

دولت باید برای نجات زندگی این افراد تصمیمات لازم را اتخاذ کند. دولت میتواند با واگذاری زمین به این افراد و در اختیار گذاشتن وسایل لازم آنها را به روستاها بازگرداند. با این کار می توان از سوختی آنها را از این زندگی منکبت بار نجات داد و شرایط بهتری را برایشان مهیا کرد، و از سوی دیگر با به زیرکست درآمد زمینهای بیشتری، به کسب و کاری ایران جانی تازه بخشید و تا حدی ما می توانیم کشورمان را از گرسنگی نجات دهیم. همچنین با اینکار می توان از تراکم بی رویه جمعیت شهرها که چه قبل و چه بعد از انقلاب، باعث مهاجرت روستاییان روستاها شده است، کاست.

سندیکی کارگران خیاط:

یک دست صدا ندارد

سندیکی کارگران خیاط، اخیرا طی اطلاعیه ای خطاب به کارگران، با تکیه بر اهمیت جمع شدن در سندیکا و ضرورت آن، مطالبی را عنوان کرده است که "زبان حال" همه کارگران است. در این اطلاعیه می خوانیم:

"ما کارگران خیاط، مانند سایر کارگران صنوف، با مشکلاتی از قبیل بیکاری، نبودن کار به اندازه کافی پائین بودن سطح دستمزد، مسئله بیمه، وجود قوانین ضد کارگری، نداشتن تأمین شغلی، که ما را همیشه نگران آینده می کند، وجود سیستم کارمزدی، که بیشترین لطمه را به ما میزند، و برونسپاری، اضافه بر اینها، سرمایه داران وابسته به امپریالیسم و تجار بزرگ، مخصوصا در شرایط فعلی، با سوء استفاده از شرایط جنگی دست به احتکار کالاها و مواد اولیه زده و با بالا بردن قیمتها، ضمن اینکه زندگی سختی را بر ما تحمیل میکنند، باعث بیکاری هر چه بیشتر ما کارگران شده اند. امروزه تمامی کارگران و زحمتکشان ما با امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، مبارزه میکنند و میدانیم که این نیروی کارگران است که باید پیشاپیش سایر زحمتکشان این مبارزه را به پیروزی برساند و ریشه وابستگی میهن ما را به امپریالیسم جهانی قطع کند. ما ضمن اینکه در حال مبارزه با امپریالیسم هستیم، در راه گرفتن خواستهای اقتصادی و اجتماعی از سرمایه داران داخلی در حال مبارزه هستیم."

آیا ما میتوانیم به تنهایی جدا از یکدیگر در کارگاههای مختلف این مبارزات را به پیش ببریم؟ تجربه ثابت کرده است که خیر. ما باید ضمن اینکه با کارگران کارگاه خود متحد می شویم، با هر عقیده و ایدئولوژی که داریم، در سندیکای خودمان، که ابتدائی ترین تشکیلات صنفی ماست، جمع بشویم و نیروهایمان را یکی کنیم و با اتحاد با سایر تشکلهای کارگری از تجربه مبارزات کارگران جهان استفاده کرده و راه اساسی برای حل مشکلاتمان پیدا کنیم."

در ادامه اطلاعیه همچنین آمده است: "دوستان کارگران! شرکت شما در سندیکا اولاً باعث میشود اتحاد هر چه بیشتر بین کارگران خیاط بوجود آید. ثانياً شما میتوانید با همفکری و ارائه پیشنهادات سازنده فعالین سندیکا را یاری کنید. بنا بر این ما کارگران خیاط برای اتحاد هر چه بیشتر در جهت گرفتن خواستهای خود در سندیکا متشکل می شویم و فکرهایمان را یکی می کنیم، آگاهی طبقاتی مان را با خواندن کتاب و گوش دادن به سخنرانی دوستانمان بالا می بریم و ریشه دردهایمان را می یابیم و درمان آنرا نیز پیدا می کنیم."

هر چه مستحکمتر باد اتحاد کارگران در سندیکا های واقعی."

کمک کارگران پالایشگاه تبریز به جبهه و مناطق جنگ زده

کارگران پالایشگاه تبریز متعهد شدند که به مدت ۶ ماه حقوق یک روزشان را برای مناطق جنگ زده بپردازند. در اطلاعیه ای که به همین مناسبت از طرف شورا های کارکنان پالایشگاه تبریز منتشر شد، میزان کمک ماه اول، این کارکنان به شرح زیر اعلام شده است:

کارگران پالایشگاه تبریز متعهد شدند که به مدت ۶ ماه حقوق یک روزشان را برای مناطق جنگ زده بپردازند. در اطلاعیه ای که به همین مناسبت از طرف شورا های کارکنان پالایشگاه تبریز منتشر شد، میزان کمک ماه اول، این کارکنان به شرح زیر اعلام شده است:

کارگران پالایشگاه تبریز متعهد شدند که به مدت ۶ ماه حقوق یک روزشان را برای مناطق جنگ زده بپردازند. در اطلاعیه ای که به همین مناسبت از طرف شورا های کارکنان پالایشگاه تبریز منتشر شد، میزان کمک ماه اول، این کارکنان به شرح زیر اعلام شده است:

کارگران پالایشگاه تبریز متعهد شدند که به مدت ۶ ماه حقوق یک روزشان را برای مناطق جنگ زده بپردازند. در اطلاعیه ای که به همین مناسبت از طرف شورا های کارکنان پالایشگاه تبریز منتشر شد، میزان کمک ماه اول، این کارکنان به شرح زیر اعلام شده است:

سندیکی کارگران تانیه سات حرارت مرکزی و تهویه مطبوع: با همکاری نهادهای انقلابی، کارخانه ها را به دژ دفاع از جمهوری اسلامی ایران تبدیل کنید

اخیرا سندیکای کارگران تانیه سات حرارت مرکزی و تهویه مطبوع تهران و حومه، ضمن اطلاعیه ای آمادگی خود را جهت مقابله با تاجران و شرکت در ترمیم و بازسازی ویرانی های جنگ، اعلام کرد. در این اطلاعیه از جمله آمده است که: "سندیکی کارگران تانیه سات تهران، بعنوان بخشی از سندیکای های راه و ساختمان، ضمن اعلام آمادگی مجدد برای شرکت مجدداً در جبهه های نبرد و کمک فعال به ترمیم ویرانی های ناشی از تاجران و وحشیانه و غارتگرانه رژیم بعثی عراق، از همه برادران عضو سندیکا و صنف می خواهد که جهت دستیابی به وحدت عمل یکپارچه در انجام این وظیفه بزرگ میهنی موارد زیر را توجه کنند:

- ۱- جهت ثبت نام برای آموزش نظامی و کسب آمادگی های رزمی، همه روزه می توانید به دفتر سندیکا مراجعه کنید.
- ۲- برای شرکت و بازسازی ناشی از ویرانی های جنگ آماده شده و میزان تخصص های مربوط و امکانات عملی خود را به سندیکا اطلاع دهید.
- ۳- با نیروهای مسلح و سپاه پاسداران و سایر نهادهای انقلابی مستقر همکاری کنید.
- ۴- کارخانه و کارگاه را به دژ دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی تبدیل کنید.
- ۵- به رزمندگان صفوف رزم، به هر اندازه که مقدور باشد، کمک کرده و امکانات نقدی و جنسی خود را در اختیار مسئولان مربوطه بگذارید.
- ۶- با شرکت فعال در شوراهای محلی، ستادهای بسیج، به تخفیف مشکلات ناشی از وضعیت اضطراری موجود بپردازید و خانواده شهدا و هموطنان نیازمند را حمایت کنید.

سرگرم برای امپریالیسم توطئه گر آمریکا میکیا رجه تریا داد اتحاد کارگران و زحمتکشان در سازمانهای صنفی و سندیکائی"

ویژه روستاهای فارس

اخبار و مطالبی که در این صفحه میخوانید، مربوط به استان فارس است، استانی که مسائل ارضی دهقانی در آن بسیار حاد است. بزرگ مالکان و خوانین در اینجا پیدا میکنند و میگویند از مشکلات موجود برای ایجاد اشتغال و کانونهای و خامت و تشنج سو استفاده کنند. آنها از روحانی نمایانی که در خط امام نیستند و از لیبرال هائیکه در ادارات لانه کرده اند و یادارو دسته آزادی وزیر کشاورزی دولت وقت "شهروند" میدانند آمریکا الفت همکاری دارند، کمک میکنند. کار توطئه های بزرگ مالکان و خوانین این استان از یکسو بدانجا کشید که حتی قبل از آنکه گامی عملی در راه واگذاری زمینها و اجرای قانون برداشته شود، سلف طوهارا و نامه هائی را بنام "کشاورزان" برای انداختند، تا با عمل انقلابی و قانونی و انسانی اصلاحات ارضی مخالفت کنند، و از سوی دیگر دست به اصلاح بردند و با اغوا و فریب و ارعاب، گروهی را به کوه کشاندند، تا تراکز تحریک مسلحانه و زرد خورد بوجود آورند و به نقشه های آمریکا ککریا کنند. جقدر درست گفته بود دبیر هیئت هفت نفری استان فارس در چهار ماه پیش که "در صورت انحلال احتمالی این هیئت ها و جلوگیری از ادامه فعالیت آن، عموم مسائل کشاورزی کشور دچار آن چنان دگرگونی مصیبت بار و نابسامانی جبران ناپذیری خواهد شد که در موقیت کنونی هیچ نیرویی توان بازسازی و جبران آن را نخواهد داشت" (۲۴ مهر ۵۹، اطلاعات / بزرگ مالکان و خوانین و لیبرال هائیتوانستند هیئت ها را منحل کنند، ولی با تحمیل تعویق موقتی بند ج "ضربتی جدی به آن زدند و مصیبت ها و نابسامانیهای فراوان ببار آوردند.

در اخبار و گزارش های این صفحه، مسائل مختلف استان فارس در زمینه امور دهقانی مطرح میشود، ولی مهمترین آن همین مسئله زمین و لزوم اجرای کامل قانون است. در این استان بیش از دوهزار ویانصد شورا ده تشکیل شده است. هیئتها بیست و سه ستاد تحقیقاتی دارند و از احترام و علاقه دهقانان برخوردارند، بهاء پاسداران محبوبیت و ارعاب فراوانی در بین مردم پیدا کرده است. جهاد سازندگی با فعالیت پر شور و مفید خود نقش ارزنده ای دارد. باتکلیه به این نیروها و به روحانیون متعهد و در خط امام، که تاکنون نیز حمایت برارزش و موثر خود را از دهقانان زحمتکش دریغ نکرده اند، میتوان برای حل این مسئله و سایر مشکلات روستاهای استان فارس بطور موثر اقدام کرد، انقلاب را تحکیم بخشید و به خواستهای برحق دهقانان پاسخی شایسته انقلاب داد.

در روستاهای خلف طاهونه (مرودشت) چه می گذرد؟

روستا می گذرد و محصولات روستا - های بالائی به این ده منتقل می شود. بدلیل وجود ملاح زینتاد در آب این نهر، تعداد زیادی از مردم و بچه های این روستا سنگ کلیه دارند.

یک ملک ۲۰۰ هکتاری در روستا هست که سال گذشته مردم ده ۵۰ هکتار از این زمین را بذر ریختند، و برای تقسیم ۱۵۰ هکتار بقیه، بین خوش نشینان ثبت نام بعمل آمده است. اهالی ده معتقدند که تقسیم ۱۵۰ هکتار زمین بین ۱۰۰ نفر با عت قطعه قطع شدن زمین می شود و علاوه بر آنکه سطح تولیدی این زمین می آید، ۱/۵ هکتار زمین برای هر خانوار در آمدی ندارد، هیئت هفت نفری معتقد است که این ۱۵۰ هکتار باید بین ۲۰ خانوار تقسیم شود، ولی اینکار هم باعث ایجاد اختلاف بین دهقانان بزمین می شود. شورای ۵ نفره ده هنوز نتوانسته در این باره تصمیم بگیرد.

برای حل این مشکل، دهقانان بزمین می توانند تمام زمین را بصورت مشاع و تعاونی بکار برند و محصول را تقسیم کنند، هیئت هفت نفری نیز در این زمینه باید کمک کند و ببیند "انتخاب احسن" که قلمور در اختیار او گذاشته، کدا مستو چگونه میتوان هم از تکه تکه شدن زمین و کمبود محصول جلوگیری کرد و هم حق کسی را ضایع ننمود. بنظر میرسد که یکجا رجه نگذاشتن زمین، دادن مالکیت مشاع تمامی آن به کلیه دهقانان و تأسیس یک تعاونی تولید مجزو کارا، راه شایسته ای باشد، که در قانون نیز پیش بینی شده است.

روستای خلف طاهونه (دالهی) واقع در مرودشت فارس، در ۲۰ کیلومتری شمال تخت جمشید قرار دارد. در این روستا ۱۶۰ خانوار زندگی می کنند که ۶۲ خانوار آن دهقان خرده پا و بقیه خوش نشین اند. هر خانوار دهقانی حدود هفت هکتار زمین دارد، بیشتر محصولات آنها گندم و چغندر قند است. خوش نشینان اکثریت اهالی ده را تشکیل می دهند و بیشترشان عشایری هستند که بر اثر سیاستهای ضد خلقی رژیم گذشته دامهای خود را از دست داده و به ده هجوم آورده اند. آنها بدلیل نداشتن زمین، به کارهای ساختمانی در دهات اطراف مرودشت و شیراز روی آورده اند. عمده ترین کار زنان این روستا قالیبافی است.

روستای خلف طاهونه برق و مدرسه دارد. حتما مومسجد هم با همیاری مردم ساخته شده، ولی از بهداشت خبری نیست. بیشتر خانه ها لوله کشی شده اند، ولی بعلت دوری منبع از چاه آب، موتور چاه سوخته است. مسئولین قول داده اند که با کمک مردم، منبع آب را به گنار چاه منتقل و موتور را هم تعمیر کنند، ولی تاکنون اینکار انجام نگرفته است. آب آشامیدنی اهالی ده از نهر آبی که از رودخانه "سیوند" گرفته شده، تا مین می شود، این نهر از چندین

اخباری از روستاهای استان فارس

و روغن ونفت شده، که البته در جای خود اهمیت بسیار دارد. دهقانان برای رفع نیازهای خود ناچار دست به دامان سلف خرها و واسطه ها میشوند. در نتیجه بخش اعظم محصول خود را برای کسب اعتبار لازم پیش فروش می کنند، تا بتوانند وسایل کشاورزی و زیستی خود را تهیه نمایند.

حمله به باغها و مزارع میانک آباد

به تحریک عوامل خانهای قشقا بی در منطقه مبارک آباد (در چهل کیلومتری جهرم) روز ۷ دی ماه ۵۹، عده ای به باغها و مزارع این منطقه حمله کردند و خسارات زیادی به بار آوردند. افراد مزبور در این حمله درختها را قطع کردند و خسارت زیادی به چاه ها و لوله های آبیاری قطره ای وارد آوردند. طبق برآورد کارشناسان اداره کشاورزی جهرم، در این حمله بیش از دو میلیون تومان به منطقه مبارک آباد خسارت وارد شده است. هنوز مسیبین این عمل کا ملاشنا سایی نشده اند و سپاه پاسداران این منطقه، ضمن دستگیری چند نفر، مشغول بررسی و تحقیق در مورد این مسئله است.

ماضن محکوم کردن این عمل ضد انقلابی، از مقامات مسئول مصرا نه می طلبیم که هر چه زودتر با اقدام قاطع و فوری در مورد شنا سائی این افراد و علل حادثه، از تکرار چنین اعمالی جلوگیری کنند.

چهار گزارشی که در زیر میخوانید، وضع چهار روستا را نشان میدهد، که برخی از مسائل حاد استان در آنها منعکس است:

اهالی نواجرد را یاری رسانید

روستای نواجرد (ناگرد) در ۳ کیلومتری بخش سعادت آباد فارس قرار دارد. کسل ساکنین این روستا ۲۰ خانوار است و جمعیت آن در حدود ۱۰۰ نفر بیشتر نیست. زمین های زراعی روستا ۷۰ هکتار و محصولات عمده آن گندم، چغندر و جو است. اهالی روستا از نظر امکانات زندگی، از قبیل مسجد، غسالخانه، مدرسه، حمام، آب لوله کشی و برق در مضیقه اند. آب آشامیدنی اهالی از قنات ده تا مین میشود. دولت انقلاب با اید مستضعفین و یاران صمیمی انقلاب راه را همرا هی کند.

مشکلات در روستای علی آباد ملارضائی

روستای "علی آباد ملارضائی" در منطقه "سرپنیران" و نزدیک "مرودشت" واقع شده. ۱۵ خانوار در ده زندگی می کنند، که جا ده مناسب برای رفت و آمد به مرکز بخش ندارند. دیگر مشکلات آنها نبودن آب لوله کشی، برق، حمام، بهداشتی، مسجد و... است. کشاورزان از کمبود سوخت برای کار انداختن تلمبه های روستا جهت آبیاری مزارع گلّه - مندند، مدرسه روستا به حالت خطرناکی درآمده و امکان ریزش آن وجود دارد. چهار دساز زندگی تا حدودی به وضع این مدرسه رسیدگی کرده، اما مشکلات فراتر و بیشتر از امکانات جهاد سازندگی است. مردم علی آباد با وجود تمام این مشکلات، روحیه ای قوی دارند و تا آنجا که توانسته اند، به جبهه جنگ عادلانه علیه تجار و زگران مدامی و امپریالیسم آمریکا، دریغ نکرده اند. انتظار آنان رسیدگی به وضع عمرانی روستاست.

دهقانی میگوید: "امسال ۲۰۰۰ من محصول شلکتوک داشتم، که ۱۶۰۰ من را به قیمت خیلی ارزان و به ناچار به سلف خرها و واسطه ها پیش فروش کردم که حال ناچار همان محصول را به قیمت گزافی مجددا برای گذران زندگی امسال به هر یک از دهقانان حدود ۳۰۰۰ تومان وام داده است، ولی از آنجا که روی ضوابط صحیحی و در ارتباط با رفع مشکل اساسی یعنی تهیه وسایل تولید و کتا ورزی نبوده، تا ثیر چندانی نداشته است." وجود مشکل کمبود سوخت، روغن و وسایل یدکی باعث بالا رفتن هزینه شخم در منطقه شده است، مثلا در گذشته اگر تراکتور دارها هکتاری ۱۶۰ تومان می گرفتند، اینک به بهانه مشکل فوق، هزینه شخم در هر هکتار ربه ۴۰۰ تومان رسیده است.

گزارشی از روستای قلعه مظفر

دولت انقلاب باید دست و اسطه ها، سلف خرها و دلالت های انگل را از سر دهقانان زحمتکش روستای قلعه مظفر فار رس کوتاه کند.

قلعه مظفر از روستاهای بخش خرامه فارس است. برنج، پنبه، گندم، جو از محصولات این روستا است. قلعه مظفر همرا ه چند ده مجاور، زیر پوشش یک شرکت تعاونی واقع در خرامه، قرار دارد. متاسفانه این شرکت تعاونی نتوانسته است پاسخگوی مشکلات اساسی روستاهای اطراف خود باشد و به خرید محصولات روستا ثیان، دادن وام و اعتبار و کمک های فنی لازم به دهقانان کمک کند. فعالیت شرکت فعلا محدود به توزیع قند و شکر و پودر



امام خمینی: از روستاهای دور افتاده می آیند میگویند که ما خانه نداریم، آب نداریم، برق نداریم، آسفالته نداریم، بهداشتی نداریم و همه هم صحیح میگویند. ما دستمان را پیش تمام ملت دراز می کنیم و از ملت میخواهیم که همه دست پر اداری بهم بدهند و این جهاد سازندگی را شروع کنند.

فئودالها می کوشند با پخش شایعات و اکاذیب در روستاها، دهقانان را نسبت به دستاوردهای انقلاب ولسرد کنند

فئودالها در روستاهای اطراف فرگ دارا فارس، به منظور مقابله با اقدامات انقلابی هیئت های هفت نفری واگذاری زمین، میگویند ناراضی و دلسردی نسبت به انقلاب در میان دهقانان این مناطق بوجود آورند.

مالکین روستاهای طاهونه و نصرت، واقع در فرگ دارا طبق اطلاعات رسیده عوامل فئودالها در روستاهای اطراف فرگ دارا فارس، به منظور مقابله با اقدامات انقلابی هیئت های هفت نفری واگذاری زمین، میگویند ناراضی و دلسردی نسبت به انقلاب در میان دهقانان این مناطق بوجود آورند.

مالکین روستاهای طاهونه و نصرت، واقع در فرگ دارا طبق اطلاعات رسیده عوامل فئودالها در روستاهای اطراف فرگ دارا فارس، به منظور مقابله با اقدامات انقلابی هیئت های هفت نفری واگذاری زمین، میگویند ناراضی و دلسردی نسبت به انقلاب در میان دهقانان این مناطق بوجود آورند.

مالکین روستاهای طاهونه و نصرت، واقع در فرگ دارا طبق اطلاعات رسیده عوامل فئودالها در روستاهای اطراف فرگ دارا فارس، به منظور مقابله با اقدامات انقلابی هیئت های هفت نفری واگذاری زمین، میگویند ناراضی و دلسردی نسبت به انقلاب در میان دهقانان این مناطق بوجود آورند.

ضرورت صرفه جوئی اکید در ارز دانشجوئی

هرچیز به سرمایه‌گذاری دولتی نیازمند است . ماهم اکنون بودجه سال آینده را بودجه جنگی اعلام کرده‌ایم ، یعنی بودجه‌ای که با توجه به شرایط ویژه زمان جنگ تنظیم شده و اساس آن بر صرفه‌جوئی استوار است . در این بودجه ، ما منطقی باید به "اولویت‌ها" پرداخته باشیم ، و اگر نپرداخته‌ایم ، گناه ماست . ماهزینه‌های غیر ضروری ، تجلی زائد را حذف و به "واجب‌ترین" ها پرداخته‌ایم . هماهنگ با تنظیم چنین بودجه‌ای ، آیا الزام آور نیست که از پرداخته‌های غیر لازم ارز نیز قویا اجتناب کنیم و از درآمد محدود ارزی خود ، تنها آن ارزی را بپردازیم که برای تکامل پیشرفت جامعه خود در وجوه مختلف آن ، ضرور تشخیص می‌دهیم ؟

ما حق نداریم در شرایطی که حداقل دستمزد ماها نه سرپرست یک خانواده پنج نفری کارگری کمتر از ۲ هزار تومان است ، مبلغ ۱۰۰۰ دلار ، یعنی بیش از ۷۵۰۰ تومان برای پسر و دختری بفرستیم که هم این مبلغ بیش از نیاز زندگی تحصیلی اوست و هم اصلا معلوم نیست به تحصیل اشتغال داشته باشد ؟ ما هرگز بررسی نکردیم که رشته تحصیلی چه تعداد از این دو بیست هزار دانشجو ، مورد نیاز جامعه است و چه تعداد از این دانشجویان مومن به انقلاب خود را متعهد به بازگشت به وطن میدانند .

ما حق نداریم در شرایطی که در همه وجوه زندگی ما صرفه و قناعت را بدرستی رخنه داده‌ایم ، در مورد ارسال ارز برای دانشجویان مقیم خارج چنین گشاده دست باشیم . ما مجاز نیستیم در شرایطی که بر طبق مقررات اقتصاد محروم و بلاکشیده ، به تناسب شرایط ویژه زمان جنگ ، باز هم محرومیت‌های بیشتری را تحصیل میکنیم و از آنان فداکاری بیشتری میخواهیم ، درباره ایرانیان مقیم خارج حاتم‌وار رفتار کنیم .

ما صولا به اینهمه دانشجو در خارج از کشور چه نیازی داریم ؟ در شرایطی که میخواهیم جامعه خود را از سلطه فرهنگ و شیوه زندگی غربی پاکسازی کنیم ، چرا باید دهها هزار جوان خام و بی تجربه را به مراکز این فرهنگ و این شیوه زندگی گسیل داریم ؟

اکنون که تغییر و تحول نظام آموزش عالی در دستور روز است ، باید همزمان با آن ، شبکه آموزش عالی را چنان گسترش دهیم که کادرهای علمی و متخصص مورد نیاز جامعه متحول خود را ، خود پرورش دهیم ، مگر در مورد رشته‌هایی که در داخل کشور میسر نیست . در این رشته‌ها است که میتوانیم دانشجویان را متناسب با یک زندگی توأم با قناعت دانشجوئی ، تامین کنیم .

تجدید نظر اساسی در سیستم ارز دانشجوئی خواست جامعه انقلابی ماست . وظیفه مسئولان است که این خواست را تحقق بخشند .

نامه " مردم " ، این معیارهای جدید را نیز منطبق با مصالح انقلاب و جامعه انقلابی ماندانست و خواستار تجدید نظر جدی در کل مسئله دانشجویان ایرانی مقیم خارج و صرفه جوئی اکید در مصرف ارز شد .

خوشبختانه مصاحبه مطبوعاتی اخیر روزبرابر آموزش عالی نویدبخش آن بود که مسئولان آموزش عالی کشور مشغول بررسی وضع دانشجویان خارج و تجدید نظر اساسی در سیستم ارز دانشجویی هستند و بعنوان مقدمه پرسشنامه‌هایی جهت جمع آوری اطلاعات و کنترل همکاران ، در سیستم ارز دانشجویی در دسترس قرار داده‌اند . برای دانشجویان ارسال داشته‌اند . نامه " مردم " با تأیید این تصمیم امیدبخش ، از مسئولان خواست که هر نوع بررسی و تصمیم جدید باید با توجه به شرایط ویژه انقلاب و ضرورت صرفه‌جوئی اکید در مصرف ارز انجام شود .

بیانیه هیئت اجرایی کانون اسلامی کارکنان بانک مرکزی ایران ، که در روزنامه اطلاعات مورخ ۱۶ بهمن ۵۹ ، انتشار یافته ، حاکی از عدم همکاری مسئولان بانک مرکزی ایران و کارکنانی آنها برای ایجاد یک سیستم منطقی در مورد ارسال ارز دانشجویی است . طبق این بیانیه ، مسئولان بانک مرکزی ابتدا میخواستند اندک اندک توزیع پرسشنامه‌ها را جلوداری کنند ، و چون تلاششان بی نتیجه مانده ، از خود سلب مسئولیت کرده‌اند و مراجعان و شاکیان را به وزارت آموزش عالی حواله میدهند .

تردید نیست که ایجاد یک سیستم منطقی ارسال ارز ، که منجر به حذف دریافتی عده قابل توجهی از دانشجویان مقیم خارج خواهد شد ، خود آنها و بستگان آنها را ناراضی خواهد ساخت و در نتیجه تشنات و اخلاص و کارشکنی‌های آنان برای جلوداری از ایجاد چنین سیستمی ، نقش معینی بازی خواهد کرد . اما باید دید مصلحت انقلاب چه حکم میکند و بدون توجه به کارشکنی‌ها ، و اخلاص گریها ، در آن راهی گام گذارد که مقتضیات انقلاب طلب میکند ، ولو آنکه در این میان عده‌ای ناراضی شوند .

مقتضیات انقلاب طلب می‌کنند که هر دلار از درآمد ارزی کشور به جایی رود که بیشترین سودمندی را برای جامعه ببار آورد . به علت فعالیت‌های ویرانگرانه ضدانقلاب هم در زمینه خارج کردن ثروت‌های کشور به صورت ارز و فرش و جواهر و طلا و عتیقه ، و هم کارشکنی‌های بی‌شمار در عرصه صنعت و کشاورزی و خدمات ، صدمات قابل توجهی به اقتصاد ما وارد آمده است . مسدود کردن پولهای ایران بوسیله امپریالیسم آمریکا ، محاصره اقتصادی توسط آمریکا و متحدانش و نیز جنگ تحمیلی ، ضربات جدی بر اقتصاد کشور وارد کرده است ، صرف نظر از آنکه نظام اقتصادی ارتیه طاغوت ، به تبع از وابستگی به امپریالیسم ، مسخ ، ناموزون و ناهماهنگ بوده و نیاز به بازسازی از سرتاپا ، از سطح تا عمق دارد و این بازسازی قبل از

یکی از اقدامات مهم و ضرور دوران پیروزی انقلاب ، بررسی وضع تحصیلی دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور بود ، که متأسفانه از سوی مسئولین وقت توجهی بدان نشد . در دوران طاغوت ، سیاست نواستعماری تسلط بر سیستم آموزشی ، موجب آن شد که ، هم به دلیل ظرفیت اندک دانشگاهها و عدم توانائی شان برای جذب داوطلبان تحصیلات عالی ، و هم به علت غرب زدگی مسلط بر جامعه روشنفکران ، نه فقط فرزندان خانواده‌های طاعتی ، بلکه حتی خانواده‌های پائین تر از متوسط هم با گرو گذاشتن کاسه و کوزه خود ، فرزندان خویش را راهی کشورهای اروپای غربی و آمریکا کنند . در این مهاجرت گسترده موقت یا دائم ، هیچ برنامه قابل قبولی از سوی مسئولان آموزش عالی طاغوت وجود نداشت ، نه امکانات کشور دقیقاً بررسی شده بود ، نه رشته تحصیلی دانشجویان در انطباق با نیازهای جامعه بود ، نه بر روند تحصیل دانشجویان نظارت و سرپرستی دولتی وجود داشت و نه دانشجویان تعهدی برای مراجعت به وطن داشتند . میلیاردها دلار از پول نفت - ثروت این مردم فقیر و محروم و گرسنه و عریان - به خارج سرزیر بود ، تا بخشی از این جوانان بدون توانائی برای تحصیلات عالی ، با دریافت ارز تحصیلی "امزار معاش" کنند ، عده دیگری پس از پایان تحصیلات ، جذب جوامع اروپا و آمریکا شوند و از مراجعت به وطن امتناع نمایند و تنها اقلیتی ، پس از اخذ درجه تحصیلی ، دانش و فن خود را در خدمت هموطنان محروم خود قرار دهند .

انقلاب وظیفه داشت که وضع دانشجویان ایرانی مقیم خارج را دقیقاً مورد بررسی قرار دهد ، فرزندان طاغوتیان فراری و خانواده‌های ثروتمند را از دریافت ارز محروم کند ، ارز کسانی را که با دریافت کمک هزینه تحصیلی به گشت و گذار در اروپا و آمریکا مشغولند قطع کند ، برای عده‌ای که ادامه تحصیل شان در دانشگاههای وطن امکان پذیر است ، وسایل فراهم سازد ، و فقط کسانی را که در رشته‌های مورد نیاز کشور ، به تحصیل اشتغال دارند ، بعنوان دانشجوی اعزامی به خارج ، به رسمیت بشناسد و هزینه تحصیلشان را تقبل کند . اما مسئولان وقت چنین نکردند .

دولت موقت ، که نه‌ماه از فرصت طلایی پیش از پیروزی را به تلاش برای حفظ وضع گذشته گذراند ، که امکان طبق لیست دوران طاغوت ارز تحصیلی به خارج فرستاد و هیچ بازبینی و بررسی در این مورد بعمل نیامد و تصمیم جدیدی متناسب با دوران انقلاب اتخاذ نشد . نتیجه آن شد که طبق بیانیه هیئت اجرایی کانون اسلامی کارکنان بانک مرکزی ایران ، در سال گذشته ۱/۸ میلیارد دلار ارز برای دانشجویان ایرانی مقیم خارج ارسال شده است .

چندی پیش قرار شد برای دانشجویان ایرانی ، طبق ضوابط جدیدی ، ارز تحصیلی ارسال شود ، که خواستار آنند - فعلا فقط به چند پرسش پاسخ دهند :

۱ - منظور "ن. احمدنیا" از جملات پایینی نوشته ، که خطاب به رئیس جمهور است ، چیست ؟ این فکر که ، "از فتنه‌چهره پرهیزی" ، چه معنای مفهومی دارد ؟

۲ - برنامه‌هایی که به گفته "ن. احمدنیا" باید به اجرا درآید ، کدامند ؟

۳ - نوشته "ن. احمدنیا" تا چه حد با عقاید ، برنامه‌ها و نقطه نظر های هیئت تحریریه روزنامه "انقلاب اسلامی" منطبق است ؟ اگر اختلافی هست ، کجاست ؟ و اصولاً هیئت

خلق گواتمالا برای آزادی خود از اسارت امپریالیسم امریکا متحد می‌شود

متحد آمریکا است . واشنگتن به او اعتبار می‌دهد و رژیم او را از نظر جنگ‌افزار و کارشناسان ویژه مبارزه ضد چریکی تامین می‌کند . بویژه پس از سرنگونی حکومت دیکتاتوری سوموزا در نیکاراگوئه و اوج‌گیری جنبش انقلابی در السالوادور ، همسایه گواتمالا ، ایالات متحده از همه نیروها و امکانات خود در آمریکای مرکزی برای جلوگیری از قیام خلق گواتمالا بهره می‌گیرد .

تشدید مبارزات طبقاتی ، نیرو - های دموکراتیک گواتمالا را بر آن داشته است که هر چه بیشتر در راه هماهنگی بیکار خلق کوشا باشند . در "جبهه دموکراتیک علیه اختناق" ، که پارسل تشکیل شد ، صد و پنجاه سازمان مخالف و سندیکا شرکت دارند . فزون بر این ، "کمیته ملی وحدت سندیکایی" ، که اعضای آن از تجربه غنی مبارزه بهره‌مندند ، چندی پیش همه نیروهای مخالف رژیم را به ایجاد جبهه‌ای واحد علیه دیکتاتوری فراخواند . "حزب کار گواتمالا" ، یعنی حزب کمونیست‌های گواتمالا ، و سازمان‌های مسلح انقلابی این کشور - مانند "سپاه چریکی بین‌سویان" ، "نیروهای مسلح شورشیان" و "سازمان انقلابی خلق مسلح" - نیز فعالانه در راه وحدت عمل نیروهای ضد دیکتاتوری گام برمی‌دارند .

چندی پیش ، فرانسیسکو لویس روتیز ، یکی از رهبران "سازمان انقلابی خلق مسلح" اعلام داشت که سازمان‌های مسلح سادی مشترک برای هماهنگی عملیات خود تشکیل داده‌اند . قرار است که این سازمان‌ها به اتخاذ یک برنامه حداقل برای تشکیل دولتی انقلابی - دموکراتیک و ملی اقدام ورزند .

در گواتمالا ، که مردم آن بیش از یک چهارم سده است که آماج ترور خونین و اختناق نظامی هستند ، بیکار مبارزان و نیروهای دموکراتیک این کشور علیه رژیم زرنال رومئو لوکاس گاریسا هر چه بیشتر گسترش می‌یابند .

به موجب گزارش‌های سازمان - های بین‌المللی و کلیسای کاتولیک گواتمالا ، از واژگونی دولت بورژوا - مترقی آرپنس در سال ۱۳۳۹ تا کنون در حدود ۷۰ هزار گواتمالایی قربانی سرکوب‌گری شده‌اند . تنها در ۲۶ ماه گذشته ، ۳۷ هزار میهن‌دوست به هلاکت رسیده و یا ناپدید گردیده‌اند . ترور در این کشور آمریکای مرکزی دو سال است که طبق برنامه‌ای ویژه اعمال می‌شود . بموجب این برنامه ، در مرحله نخست ، گروهی برگزیده از رهبران سندیکاها ، احزاب مخالف ، سازمان‌های کارگری دهقانی و اتحادیه‌های دانشجویان مملنان به قتل می‌رسند .

شیوه‌های وحشیانه رژیم برای سرکوب خلق ۷ میلیونی گواتمالا نه تنها نمی‌تواند اعتراض خلق را خاموش کند ، بلکه خشم مردم را نسبت به طبقه استثمارگر حاکم دوچندان کرده است . در حالی که میانگین دستمزد سالیانه ۷۵ درصد زحمتکشان شهر و روستا از ۳۰۰۰ ریال متجاوز نیست ، سود لایفونددیستاه ، بنگاه‌های چند ملیتی و انحصارهای ایالات متحده آمریکا ، از بابت ثروت‌های طبیعی گواتمالا ، همواره ابعادی جدید می‌یابد . زرنال رومئو لوکاس گاریسا نیز مانند فرمانسروی پیشین گواتمالا ، کخل لائو گروود ، با غضب زمین‌های دیگران و زد و بندهای تجاری ، یکسبه میلیونر شد .

دیکتاتور گواتمالا از هر جهت مورد اطمینان و پشتیبانی ایالات

خطر اصلی ...

بقیه از صفحه ۳

به اندازه تمام اعضا و رهبران جبهه ملی زندان کشیده است . ما این روزها را دیده‌ایم . ما می‌دانیم که سیاست امپریالیسم و ارتجاع عبارت است از ایجاد عدم ثبات در جمهوری اسلامی ایران . سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی همه‌جا توطئه خود را از ایجاد عدم ثبات آغاز می‌کنند . آنان می‌کوشند به رژیم‌های انقلابی مان ندهند . وظیفه همه نیروهای انقلابی این است که در چنین شرایطی به تحکیم پایه‌های حکومت انقلابی کمک کنند و نه به تضعیف آن و ایجاد بی‌ثباتی .

عملکرد حزب توده ایران طی دو سال اخیر نشان‌دهنده سیاست اصولی و انقلابی ماست . حزب توده ایران نه تنها در هیچ نقطه‌ای و در هیچ موردی مبتکر تشنج و اغتشاش نبوده ، بلکه در بسیاری مواقع جلو اغتشاش را گرفته و در روشنگری انقلابی و تجمع نیروهای سالم به‌دور خط امام ، خمینی نقش موثری ایفا کرده است . این روش اصولی و انقلابی و موثر با طبیعت نویسنده مقاله ضد توده‌ای "انقلاب اسلامی" نیست . وی آشکارا در تلاش ایجاد عدم ثبات و مدافع لیبرال‌ها و مائوئیست‌ها و خواستار ایجاد تشنج و اغتشاش است . سرتا - پای نوشته او در جهت ایجاد تزلزل در حکومت است . او نه تنها خودش هوادار فتنه است ، بلکه با کمال گستاخی از رئیس‌جمهوری نیز دعوت می‌کند و شکفت این که روزنامه "انقلاب اسلامی" نیز این دعوت را چاپ می‌کند ! نوشته "علمی" نویسنده مقاله ضد توده‌ای "انقلاب اسلامی" که با جملات "تئوری حزب توده برای ایجاد اخلاص

و آشوب در ایران" آغاز شده بود - پس از این که نویسنده یکماه و نیم تلاش می‌کند و نمی‌تواند حتی یک نمونه هم از اخلاص و آشوب حزب توده ایران بیابد - سرانجام ، با این جملات پایان می‌پذیرد :

" تا استقلال چه مدت راه است ؟
- اگر بگذارند برنامه‌هایت به اجرا درآید و به راهت بروی خیلی زود ، رئیس‌جمهور من ، زودتر از آن چه دنیا تصور کند .
- اگر نگذارند ؟
- شمس‌الحق تبریزی از فتنه‌چهره پرهیزی
اکنون که در افکندی صد فتنه مستانه ! "

چند پرسش از گردانندگان «انقلاب اسلامی»

روش روزنامه "انقلاب اسلامی" از سرتاپا سؤال‌برانگیز است . این روزنامه که ظاهراً مخالف جو ابهام است ، کانون پخش غلیظ‌ترین ابهامات است . ما تا کنون ندیده‌ایم که حتی در یک مورد و برای نمونه هم شده ، گردانندگان روزنامه "انقلاب اسلامی" درباره کلی از مسائل مهم کشوری موضع خود را صریح و روشن بیان کنند . اگر قرار بود سؤال‌هایی را که از فعالیت دو ساله این روزنامه به ذهن می‌رسد ، مطرح کنیم ، صفحات روزنامه ما کفایت نمی‌کرد . اما برخی سؤال‌های جدی از انتشار نوشته به امضاء مستعار "ن. احمدنیا" در روزنامه "انقلاب اسلامی" پدید می‌آید ، که نمی‌توان مطرح نکرد . امید است که گردانندگان "انقلاب اسلامی" برای کمک به رفع جو ابهام - که ظاهراً

فرزاد اتحاد
همه نیروهای
ضد امپریالیستی
و
دمکراتیک
ایران
در جبهه متحد خلق

تحریریه "انقلاب اسلامی" دارای عقیده واحدی هست ؟
۴ - درباره حزب توده ایران ، نظر "ن. احمدنیا" این است که باید باین حزب "مثل دشمن" رفتار کرد و آنرا دفع نمود . نظر هیئت تحریریه "انقلاب اسلامی" چیست ؟
۵ - درباره کسانی که پیرونده آن‌ها از جاسوس‌خانه آمریکا درآمده و افشا شده‌اند ، نظر "انقلاب اسلامی" چیست ؟
پایان

در جلسه علنی دیروز:

مجلس، سالروز قیام دلاوران مردم تبریز علیه امپریالیسم را گرامی داشت

پدر حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، از نقش مردم آذربایجان در پیروزی و تداوم انقلاب و طرد آشوبگران و بدخواهان ستایش کرد.

در جلسه علنی دیروز مجلس، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، مجلس از قهرمانهای مردم آذربایجان در سالروز قیام خولین مردم تبریز علیه رژیم شاه ملعون، تقدیر و ستایش کرد.

اولین ناطق قبل از دستور، موسوی تبریزی، نماینده تبریز، درباره سالروز قیام مردم تبریز علیه ظلم و جنایت رژیم فاسد شاه ملعون سخن گفت. وی از جمله گفت:

«روز ۱۹ دیماه ۵۶ مسردم مبارز و قهرمان و مذهبی شهرستان مذهبی قم قیام کردند، تظاهرات کردند و ۱۴ نفر از بهترین برادران ما در آنروز بدمست عمل رژیم فاشیستی پهلوی و عمل امپریالیسم غرب کشته شدند. روز چهل شهدای قم، مردم قهرمان آذربایجان، مخصوصاً تبریز حماسه‌ای را در این مملکت آفریدند.»

موسوی تبریزی همچنین گفت: «من از طرف خود و نمایندگان محترم آذربایجان شرقی و غربی و از طرف برادران و خواهران نماینده مجلس شورای اسلامی از برادران مبارز آذربایجان و حماسه آفرینان تاریخ تشکر می‌کنم که این اقدام شجاعانه را بر علیه رژیم فاشیستی پهلوی کردند و با سلاح بیان گذار مبارزه تفریبی و مبارزه مسلم بر علیه امپریالیسم غرب شدند.»

دومین ناطق قبل از دستور، صدر حاج سیدجوادی، نماینده تروین، ابتدا در مورد حوزه انتخابیه خود و مشکلات آن سخن گفت و از جمله خواستار آن شده که قزوین به یک فرمانداری مستقل تبدیل شود. وی آنگاه متن نامه‌ای را که به حجت الاسلام احمد خمینی نوشته بود، قرائت کرد. این نامه مورد اعتراض چند تن

از نمایندگان قرار گرفت. سومین ناطق قبل از دستور، رجاییان نماینده زنجان، ضمن اشاره به اینکه گویا عده‌ای از دانشجویان در سال ۵۸ به اسرائیل فرستاده شده‌اند، از رئیس مجلس خواست که نامه‌ای رسمی از سوی مجلس به اداره گذرنامه نوشته شود و سؤال شود که چه کسانی در سال ۵۸ و ۵۹ به اسرائیل مسافرت کرده‌اند. وی سپس ضمن اشاره به مشکلات کشاورزان، خواهان رسیدگی جدی به وضع آنان شد و از جمله از لزوم روشن کردن مسئله مالکیت سخن گفت. نماینده زنجان در پایان سخنان خود از مسئولین خواست که با حل مسئله زمین برای اصلاحات ارضی بصورت عملی، تأمین ماشین‌آلات کشاورزی برای روستائیان توسط دولت، ایجاد راه‌های روستائی و اعطای وام به روستائیان، توسعه شبکه درمانی در روستاها و اقداماتی از این دست، به یاری روستاها بشتابند.

آنگاه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، طی سخنانی، مراتب قدردانی مجلس را از قهرمانی‌های مردم دلاور آذربایجان بخصوص مردم تبریز اعلام کرد و از نقش آنان در پیروزی انقلاب و تداوم آن، حمایت از انقلاب و نیز طرد بدخواهان و آشوبگران سخن گفت و تأکید کرد:

«مردم تبریز حق عظیمی برگردن تداوم انقلاب دارند. آنگاه مجلس وارد دستور شد. اولین ماده دستور مجلس، طرح اصلاح خدمت خارج از مرکز پزشکان، داروسازان و دندانپزشکان بود. در این طرح از جمله آمده است: «کلیه پزشکان و داروسازانی که از تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۹ از دانشگاه‌های مربوطه داخل و خارج از کشور فارغ التحصیل می‌شوند، ملزم

به انجام خدمت خارج از مرکز به مدت ۵ سال، در هر نقطه از کشور، بجز از تهران و شهرهای که دارای دانشکده‌های پزشکی، داروسازی و دندانپزشکی هستند، می‌باشند.

پس از ارائه این طرح از سوی دکتر ولائی، مخبر کمیسیون مربوطه، مجلس بحث درباره کلیات این طرح را آغاز کرد و نمایندگان در موافقت و مخالفت با این طرح صحبت کردند. پس از پایان سخنان موافق و مخالف، این طرح به رای گذاشته شد و با اکثریت آراء بتصویب رسید.

سپس رئیس کمیسیون آئین‌نامه داخلی مجلس، آقای مجتهد بیستری، طرح یک فوریتی آئین‌نامه داخلی مجلس را درباره چگونگی تدوین آئین‌نامه داخلی دائمی مجلس ارائه داد. پس از سخنان موافق و مخالف، کلیات این طرح به رای گذاشته شد و با اکثریت آراء به تصویب رسید. پس از تصویب کلیات این طرح، مجلس بحث درباره جزئیات آن را آغاز کرد.

بعمل اتمام وقت مجلس، بحث درباره جزئیات این طرح، به جلسه روز یکشنبه ۳ اسفند ۵۹ مجلس، موکول شد.

در حاشیه «میزان» می‌نویسد

صدر حاج سیدجوادی، در پایان وقت خود، که صرف خواندن نامه‌ای شده بود که نمایندگان مجلس شنبه با آن اعتراض کردند، گفت: «من دو صفحه از نامه را هنوز نتوانده‌ام.» یکی از نمایندگان گفت: «خبی ندارد، میزان می‌نویسد!»



مردم قهرمان تبریز سومین سالگرد قیام ۲۹ بهمن را بزرگوار کردند

سومین سالروز قیام حماسی ۲۹ بهمن، دیروز با شرکت دهها هزار تن از مردم قهرمان تبریز در این شهر بزرگوار شد. براساس گزارش خبرنگار نامه هر روز از تبریز، از اولین ساعات صبح دیروز، مردم قهرمان تبریز، در حالیکه تصاویر رهبر انقلاب را در دست داشتند، در صفوف منظم به راهپیمایی پرداختند. مردم در حالیکه شعار می‌دادند:

«ملت پاست امروز، ۲۹ بهمن قیام ماست امروز» - نجات مستضعفین مراسم است امروز

«آذربایجان ییز اولماقا حاضریم، خمینی سرزریق (ما) برای مردم حاضریم - ما سرماز خمینی هستیم» به طرف میدان نماز در حرکت بودند.

به گزارش خبرنگار نامه هر روز، در این مراسم باشکوه، ابتدا حجت الاسلام موسوی، رئیس دادگاه انقلاب تبریز، برای جمعیت آبهومی که در میدان نماز تبریز گرد آمده بودند، سخن گفت. حجت الاسلام موسوی از جمله گفت:

«روز ۲۹ بهمن خشم مردم از طاقتورانی از زر و زور، از مظاهر تعلق و پردگی در تبریز متبلور شده.»

پس از سخنان حجت الاسلام موسوی، آیت الله مهدوی کنی وزیر کشور به سخنرانی پرداخت. او ابتدا به مبارزه مردان و زنان در جبهه جنگ اشاره کرد و گفت:

«حی زنان ما امروز به جای گردن زدن، قطار فتنه بر گردن آویخته، در میدان نبرد به مبارزه مشغولند.»

وی در قسمتی دیگر از سخنان خود، با اشاره به توطئه‌های آمریکا در ایران، گفت:

«آمریکا به کمک شاه، در بلوچستان و کنارک یک پایگاه هوایی با میلیونها ریال خرج ساخته بود، ولی در همسایگی همان پایگاه، مردمی زندگی می‌کردند، که حتی آب آشامیدنی برای خوردن نداشتند.»

وزیر کشور در پایان سخنانش خطاب به مردم گفت:

«شما با آگاهی دشمنان را گردید، باید، ولی باز هم آگاه باشید که دشمنان در حال توطئه‌اند.»

۶- درباره بقیه مطالب «پاسخ» باید بگویم که سطح آنقدر پایین است که ما نیازی به پاسخ نمی‌بینیم. بنظر ما، «خط سیاسی» حزب توده ایران، مانند سایر «خط‌سیاسی» دیگری، در عمل مشخص می‌شود و مردم قضاوت میکنند و خواهند کرد.

۷- حزب توده ایران از خط امام خمینی - خط مبارزه علیه امپریالیسم برای استقلال ایران، خط مبارزه علیه هرگونه دیکتاتوری (دیکتاتوری در اسلام بزرگترین گناه است) - امام خمینی) برای آزادی و حقوق دیکتاتیک خلق زحمتکش، خط نوسازی کشور بسود زحمتکشان و مستضعفان، با قاطعیت پشتیبانی کرده، میکند و خواهد کرد، و هیچ ترفندی یا خصومتی، نمی‌تواند و نخواهد توانست ما را از راه باز دارد.

اعلامیه هواداران حزب توده ایران در نهبوند: توطئه درگیری در نهبوند را خنثی کنیم

مردم قهرمان نهبوند! با آغاز سومین سال انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن به رهبری امام خمینی، توطئه‌های رنکارنگ امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکای جنایتکار و مزدوران داخلی‌اش علیه مبین انقلابی ما نتها قطع نگردیده، بلکه ابعاد گسترده و اشکال تازه‌ای به خود گرفته است. در این شرایط حساس که تجاوزگران سدامی پر خاکی مبین ما یورش آورده‌اند و امپریالیسم جنایتکار آمریکا خود نیز در تدارک حمله به مبین انقلابی ما، و در داخل نیز لیبرال‌ها، مائوئیست‌های آمریکائی، زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران کلان، ساواکی‌ها و همه کسانی که منافع نامشروع خود را از دست داده‌اند، در تلاش برای نابودی انقلاب و بازگرداندن امپریالیسم آمریکا هستند؛ در چنین شرایط حساس، که انقلاب در خطر است، اتحاد نیروهای خلق و حفظ خونسردی انقلابی می‌تواند نقشه‌های ضدانقلاب را نقش بر آب سازد. همشهریان قهرمان!

حزب توده ایران ضمن گرامی‌داشت خارخه شش تن از مبارزین ضد رژیم طاغوت و نیز شهادت ولی ساجی، که در جبهه نبرد علیه ضدانقلاب‌جان‌خویش را نثار انقلاب کرده‌است، وظیفه دارد هشدار بدهد که ضدانقلاب با استفاده از زمینه‌ای که انحصارطلبی برخی از نیروهای مدافع انقلاب از سونوی و برخورد نادرست نیروهای که باید در جبهه خلق باشند، از سوی دیگر، فراهم آورده است، در سدد است مراسم یادبود این شهیدا را، که امروز (۳۰ بهمن) برگزار میشود، به دیگری و آشوب بکشد.

هواداران حزب توده ایران در نهبوند، ضمن دعوت همگان به آرامش، از تمامی هواداران سدید انقلاب می‌خواهند که با هشتمی تمام مراقب اوضاع باشند و از بروز هر واقعه‌ای که بتواند بهانه تشنج و درگیری از سوی ضدانقلاب قرار گیرد، جدا بیریزند.

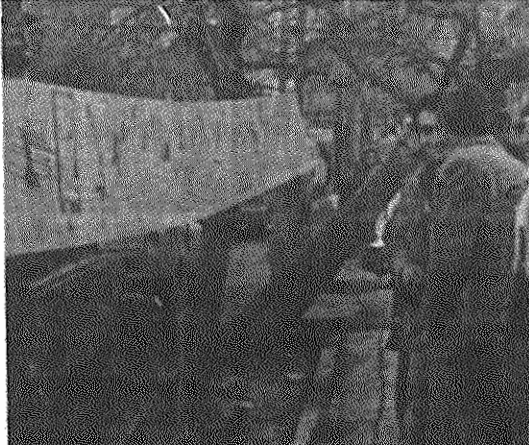
حزب توده ایران از مسئولان نهادهای انقلابی شهر، بویژه سپاه پاسداران می‌خواهد که با هشتمی و برخورد مسئولانه، مانع از ایجاد درگیری شوند، زیرا که این درگیری‌ها، بدون تردید تنها و تنها بسود امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پیروزده‌اش خواهد بود.

درد بر انقلاب پیروزمندان ایران به رهبری امام خمینی! مرگ بر امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا! هواداران حزب توده ایران - نهبوند ۱۳۵۹/۱۱/۲۹

مهاجمان، دور فیک توده‌ای را در لنگرود وحشیانه مضروب کردند

دو تن از هواداران حزب توده ایران، هنگامیکه برای تجلیل از سالگرد بازگشت امام خمینی مشغول نصب اعلامیه‌ای متضمن بیانات امام خمینی، بر نرد بیمارستان امینی لنگرود بودند، مورد حمله چند نفر قرار گرفتند و به شدت مجروح شدند. شدت جراحت وارده بعدی بود که یکی از رفقای ما برای جلوگیری از خونریزی بیشتر و مداوا به بیمارستان مراجعه کرد. ولی مهاجمان در بیمارستان مانع درمان رفیقمان شدند و با زور او را از بیمارستان بیرون کردند. مهاجمان رفیق دیگرمان را به ساختمان فرمانداری بردند و در آنجا با زور او را با کتک گرفتند. بدنبال این تهاجم وحشیانه، رفقای ما شکوایه‌ای به دادسرای انقلاب لنگرود تسلیم کردند و رونوشت آن را جهت اطلاع به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی لنگرود فرستادند. در این شکوایه ضمن شرح واقعه آمده است: «برای اینچنانیان مایه تاسف و تعجب است که در شرایطی که دستاوردهای انقلاب شکوهمندان از طرف مردم حمله و هجوم امپریالیسم آمریکا قرار گرفته و عمل خارجی داخلی آن مشغول طرح و اجرای انواع توطئه‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران هستند و بهمن‌جهد نیروهای انقلابی ایران بیش از هر زمان دیگری آگاهی و هوشیاری بیشتر و حفظ وحدت کلمه نیاز دارند، چند عنصر ناآگاه برخلاف قانون جو شهر را متشنج کرده، افراد انقلابی را از حمایت پشتیبانی از خط امام باز داشته و آنها را مضروب و مجروح نمایند و با اعمال خودسرانه و قانون‌شکنانه خود آب به آسیاب ضد انقلاب بریزند.»

نمایشگاه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در قزوین



از سوی سازمان حزب توده ایران در قزوین، در هفته اول بهمن ماه ۵۹، نمایشگاهی شامل طرح‌های مختلف از توطئه‌های ششگانه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران برپا شد. این نمایشگاه، که در خیابان خیام به نمایش عموم گذاشته شده بود، با استقبال مردم شهر قزوین، روپرو شد.

نکاتی چند ...

بقیه از صفحه ۱

که ناسزاگو و هتاک «کیست» و «مدافعان اخلاق و معنویت کیستند؟» در این «پاسخ» گفته شده است که:

«تحلیل حزب توده از قیام ۱۵ خرداد و امام خمینی و اصلاحات ارضی شاه این بود که روحانیت به رهبری امام خمینی به همدستی با فئودالها و پاسرواستفاده از تحریک احساسات مردم در عاشره، مردم را علیه اصلاحات ارضی شاه و آزادی پائون تحریک کرد، اما شورش مردم بدمست نیروهای مسلح سرکوب شد.»

ما اعلام میداریم که این افترا و دروغ است. حزب توده ایران از جنبش ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به رهبری امام خمینی با صراحت و قاطعیت پشتیبانی کرده است و این پشتیبانی از رادیسوی «پیک ایران» پوست و بکرات پخش شده و در مطبوعات حزب انکس یافته است. اسناد تحلیل حزب توده ایران در مورد جنبش ۱۵ خرداد در سال گذشته دوباره تجدید چاپ شد و برده این افترا و دروغ را درید.

۵- در این «پاسخ» نقل قولهایی از یکی از شماره‌های سال ۱۳۲۹ روزنامه «بسی آینده» و یکی از شماره‌های سال ۱۳۳۰ روزنامه «مردم» بعنوان سند مخالفت حزب ما با دکتر مصدق آورده شده است. ولی در «پاسخ» اثری از موضعگیری قاطع حزب توده ایران بعد از سال ۱۳۳۰ در پشتیبانی از دکتر مصدق نیست. ما برای کمک به حافله «دقت روایت» عمومی ریاست جمهوری، سندی را از «شاه» (بقالی) نقل می‌کنیم که خصومت کین‌توزانه آن نسبت به حزب توده ایران محرز است، تا جای‌بختی نماید: روزنامه «شاه» - ارگان دکتر مظفر قهرمانی (از عاملان بنام کودتای ۲۸ مرداد) در شماره ۷

آیت الله بهشتی ...

بقیه از صفحه ۱

آیت الله بهشتی همچنین گفت: «هاتطور که دستور اسلام ایجاب می‌کند و امام بارها تأکید کرده‌اند، زبانتا کنر خدمت روشن کردن حقایق به صورتی دلسوزانه و همراه با حسن نیت قرار گیرد، بی آنکه آهنگ زبندن، سوغتن ایجا آفرین و متشنج و مسموم کردن جو اجتماعی داشته باشد.»

دکتر بهشتی سپس درباره سخنان اخیر مهندس بازرگان در جلسه علنی مجلس، ضمن اشاره به اینکه ملاقات با نمایندگان سیاسی کشورها دیگر جز در موردی که اصل ملاقات مضر است، برای مقامات کشور امری عادی است، گفت:

«در مورد ملاقات آقایان با آقای ریژنسکی هم اعتراض به اصل ملاقات منطقی نیست. اگر اعتراضی بوده است بدانجهت بوده که محتوی این ملاقات و مطالبی که در این ملاقات رد و بدل شده، باید به اطلاع ملت و یا لاقل شورای انقلاب برسد. چه خوب است حالا که یکسال و چند ماه از آن گذشته عین مطالب آن منتشر شود، تا زمینه‌ای برای سوغتن نسبت به آقایان نیز باقی نماند.»

دکتر بهشتی همچنین در پاسخ سئوالی مربوط به قطعنامه اجتماع چندین پیش‌مردم مبارز، خواست های آنان از جمهوری اسلامی و امام را بیجا خواند. رئیس دیوانعالی کشور در قسمتی دیگری از مساجحه خود، در پاسخ سئوالی در مورد حفظ امنیت قضائی و کوشش در جهت هرچه بهتر آن از جمله گفت:

«آنچه درباره امنیت قضائی و نظائر آن گفته می‌شود، اگر پیش از آن چیزی که هست بر ای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود»



تدوین برنامه تثبیت امور اقتصادی در لهستان

پارودنسکی، نخست وزیر لهستان، در گفتگوی خود با خبرنگاران در ورشو اظهار داشت: «مسئله اساسی کشور ما تثبیت وضع اقتصادی و زندگی مردم کشور است. برای رسیدن به این منظور، از جانب دولت برنامه سه ساله‌ای در دست تنظیم است که بزودی به مرحله اجرا گذارده خواهد شد.»

نخست‌وزیر لهستان گفت: «لهستان بیش از هر چیز به نظم و آرامش داخلی نیاز دارد و این نظم و آرامش در صورتی برقرار خواهد شد که دولت به نحوی موثر عمل کند و موافقت‌نامه‌های امضاء شده و رعایت اصول دموکراسی سوسیالیستی در کشور ضامن اجرا داشته باشند.»

هزینه‌های نظامی آمریکا از مرز ۲۰۰ میلیارد دلار تجاوز میکند

سخنگوی کاخ سفید اعلام کرد که پرزیدنت ریگان برنامه اقتصادی خود را در کنگره آمریکا مطرح میکند. تقلیل بودجه فدرال یکی از مواد این برنامه است که در نتیجه آن، اعتبارات برنامه امور اجتماعی کاهش خواهد یافت. در صورتیکه طبق همین برنامه، بودجه هزینه‌های نظامی آمریکا متجاوز از ۲۰۰ میلیارد دلار است.

در چهارچوب کمکهای گسترده جامعه سوسیالیستی به کشورهای در حال رشد تعداد دانشجویان کشورهای در حال رشد در اتحاد شوروی به رقم ۴۰ هزار رسید

در سال جاری شمار دانشجویان کشورهای در حال رشد آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین که در موسسات آموزش عالی اتحاد شوروی تحصیل می‌کنند به رقم بیست و چهار هزار نفر رسیده است. اکثریت عظیم این دانشجویان در رشته‌های مهندسی، ریاضی، زمین‌شناسی، فولادسازی، راه و ساختمان، انرژی، شیمی و فیزیک و رشته‌های مختلف پزشکی تحصیل می‌کنند. در ۲۵ سال گذشته دهها هزار تن از کارشناسان کشورهای مختلف سه قاره آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی اتحاد شوروی آموزش دیده‌اند. جوانان کشورهای در حال رشد، در بهترین موسسات آموزشی مسکو، لنینگراد، کیف، باکو، تاشکند، تفلیس و دیگر شهرهای کشور اتحاد شوروی به تحصیل مشغول می‌شوند. تربیت کارشناس برای کشورهای در حال رشد از جمله همکاری‌های گسترده جامعه سوسیالیستی و پیوسته اتحاد شوروی با کشورهای سه‌قاره در جهت دستیابی این کشورها به متخصصین و کارشناسانی برای پایه‌گذاری اقتصادی مستقل است. از سوی دیگر اتحاد شوروی در خود این کشورها، موسسات عالی آموزشی بسیاری ایجاد کرده است. از جمله این موسسات می‌توان از انستیتیوی صنایع سبک و مدارس فنی در الجزایر نام برد.

کنفرانس کشورهای آفریقائی خط مقدم جنبه

کنفرانس سران جمهوری زامبیا، موزامبیک، تانزانیا، بوتسوانا و زیمبابوه در لوزاکا تشکیل گردید. نمایندگی دولت آنگولا نیز در این کنفرانس شرکت دارد. در این کنفرانس مسئله همکاری عملیات کشورهای آفریقائی خط مقدم جنبه، در ارتباط با تشدید تجاوزات رژیم نژادپرست جمهوری آفریقائی جنوبی بررسی میشود.

در چین شاخص تورم به ۲۰ درصد شمار بیکاران به ۲۶ میلیون رسیده است

سیاستهای مانوئستی رهبران چین اقتصاد کشور را به بحران کشانده است. بنا به محاسبه کارشناسان خارجی، سطح تورم در این کشور از مرز ۲۰ درصد فراتر رفته و شمار بیکاران این کشور ۲۶ میلیون نفر است. اکثر بیکاران را جوانان تشکیل میدهند. سیاستهای اقتصادی نادرست و زیانبخش رهبری چین، که موجب تعطیل شدن بسیاری از رشته‌های تولیدات صنعتی و امور ساختمانی گردیده، علت عمده بالا بودن سطح بیکاری در میان جوانان است.

اجلاس نوبتی کمیته ویژه اقیانوس هند

اجلاس نوبتی کمیته ویژه اقیانوس هند، با شرکت نمایندگان ۴۵ کشور، در مقر سازمان ملل متحد کار خود را آغاز کرد. دستور کار این اجلاس مسئله مربوط به تدارک برگزاری کنفرانس بین‌المللی درباره تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح است، که در کلمبوتسکیل خواهد شد.

اکنون دهسال است که این مسئله در سازمان ملل متحد مورد توافق قرار گرفته است. مسئله تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح در کنفرانس اخیر جنبش غیرمتحدها در دهلی نو مورد تأیید کشورهای غیر متحده واقع شد. اما این مسئله همواره با مخالفت امریالیسم آمریکا و متفقین آن مواجه شده است.

کمکهای تسلیحاتی آمریکا به رژیم السالوادور همچنان ادامه دارد

طبق اطلاعات فرماندهی جنبه آزادیبخش فارابوندمارتی در السالوادور، ایالات متحد آمریکا انواع سلاحها و تجهیزات نظامی را به رژیم ضدخلفی این کشور تحویل میدهد. در ماه ژانویه معادل ده میلیون دلار سلاح آمریکائی به این کشور صادر شده است. در این اطلاعات همچنین آمده است که طی روزهای اخیر، صدها تن از اهالی کشور به صفوف مبارزان جنبه آزادیبخش پیوسته‌اند.

«سواپو» یگانه نماینده راستین و قانونی خلق نامی بیا «۷»

جنبش‌های آزادیبخش ملی، و طبقه کارگر کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری - در برابر مردم نامی بیا کشور.

قطعه‌نامه ۳۸۵ مصوبه شورای امنیت سازمان ملل متحد مبنی بر حمایت از خواستهای «سواپو»، خواستار:

- پایان بخشیدن اشغال غیرقانونی نامی بیا از سوی ارتش آفریقای جنوبی؛

- برسمیت شناختن تمامیت ارضی کشور و فسخ سیاست «زادبوم‌ها» از سوی پرتوریا؛

- آزادی کلیه زندانیان سیاسی؛

- الغاء کلیه قوانین سرکوبگرانه؛

- برگزاری انتخابات آزاد تحت نظارت سازمان ملل متحد جهت تعیین سرنوشت مستعلاة خویش، در پرتو احترام به راه رشد برگزیده مردم.

سازمان ملل متحد، علاوه بر این، روز ۱۰ دی ۱۳۵۷ را بعنوان تاریخ نهایی برای اجرای این خواستها تعیین کرد.

هدف «سواپو»: سمت‌گیری سوسیالیستی

در همایش کمیته مرکزی جنبه آزادی- بخش «سواپو» (از ۶ تا ۱۰ مرداد ۱۳۵۷ در لوزاکا) برنامه و تصمیمات فوینی به تصویب رسید: دستیابی به استقلال، براندازی کامل ستم ملی و طبقاتی، ارائه حق گزینش عمومی، اجرای دگرگونیهای اقتصادی - اجتماعی ژرف، از جمله ملی کردن وسایل تولید، اصلاحات ارضی، دموکراتیزه کردن کلیه نهادهای عمومی، ایجاد شالوده‌های جامعه بی‌طبقه در نامی بیا، بر بنیان سوسیالیسم علمی، هدف «سواپو» اعلام گردید.

برنامه پیوسته ضرورت وحدت بین نیرو- های میهن‌دوست را برای دستیابی به استقلال ملی و کاربست سیاست همبستگی با جنبش‌های ملی ضدامپریالیستی و صلحدوست در سراسر جهان اعلام کرد، و بر ضرورت وحدت بخاطر پیشبرد مبارزه مسلحانه، بعنوان کاراترین شیوه، ولی نه یگانه شیوه، تأکید ورزید.

نیروننگ بازی نوین نژادپرستان

آفریقای جنوبی، نگران از واکنشها و قطعه‌نامه‌های بین‌المللی و امیدوار به فرونشاندن خروش انقلابی مردم نامی بیا، ناگزیر به پذیرفتن قطعه‌نامه سازمان ملل متحد گردید. ولی در پیامد آن، چون پرتوریا برمدیدن خورشید استقلال و آزادی را در سرزمین نامی بیا در افق نزدیک می‌دید، ضمن کارشکنی در گفتگوها و ایجاد وقفه در روند اجرای مفاد قطعه‌نامه، دست به بهانه‌تراشی می‌زد، تا نهادهای قدرت دست‌نشانده خود مانند «مجلس ملی» و سپس «شورای وزیران» را در کشور بوجود بیاورد. در ویدوهوک «کابینه»ی پرهبری مزرعه‌داری بنام دیرک‌هوج، سردمدار حزب باصلاح «اتحاد دموکراتیک ترن‌هال» از طریق «انتخابات» تشکیل شد. اختیار قانونی «کابینه» در جنبه‌منافع تنگ انحصارات امپریالیستی می‌گنجید. «دولت» نامی بیا در ویدوهوک از هرگونه نظارتی بر شاخه‌های کلیدی اقتصاد، امورمالی، شبکه راه‌آهن، بندر، سیاست امور خارجی، پلیس و نیروهای مسلح محروم است و به هیچ‌رو پاسخگوی خواستهای اولیه خلق نامی بیا نیست.

شکست اعلام «استقلال» یکجانبه‌ازسوی اشغالگران با علم‌کردن «کابینه»، با تشدید مبارزه مسلحانه ارتش آزادیبخش ملی و هجوم مشتاقانه داوطلبان برای پیوستن به صفوف فشرده «سواپو» همزمان بود. گردهمایی‌ها و تظاهرات عظیمی به‌پشتیبانی از نظر گام‌های انقلابی و دموکراتیک «سواپو» تشکیل شد. برای نمونه، گردهمایی ویدوهوک، که در نیمه اول سال ۱۳۵۸ با شرکت شورانگیز ۲۵۰۰۰ تن مردم بومی برگزار گردید، گامی در جهت محکوم- ساختن اقدامات رژیم اشغالگر- آفریقای جنوبی بحساب می‌آید.

ادامه دارد

«یک نامی بیا، یک ملت»

«سواپو» از طریق شرکت در مبارزات اقتصادی - اجتماعی مردم نامی بیا، به حمایت همه‌جانبه و گسترده کارگران، دهقانان و دانشجویان دست یافت و در مقام سازمان‌کننده جنبش یکپارچه خلق نامی بیا، یگانه بیاتکر خواستار و منافع تمامی این‌خلق ستم‌دیده شد.

بر این بنیان، در سال ۱۳۵۰ دادگاه بین‌المللی لاهه حضور دولت اشغالگر آفریقای جنوبی را در نامی بیا، بعنوان استان پنجم آفریقای جنوبی، غیرقانونی اعلام داشت.

در سال ۱۳۵۲، سازمان ملل متحد، «سواپو» را بمنابه جنبش آزادیبخش ملی و نماینده قانونی مردم نامی بیا برسمیت شناخت.

در آغاز، رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی همچنان بر این ادعای بی‌بنیان پافشاری میکند که «سواپو» تنها نماینده قبیله اووامبوست. برای اثبات بی‌محتوا بودن این ادعا تنها به نقل یک نمونه از وحدت دیگر سازمانهای توده‌ای می- پردازیم:

در آبان ۱۳۵۵، چهار گروه قومی، شامل ۳۷۰۰۰ عضو از قبیله تاما - یعنی هشتاد درصد این قبیله - برای ادامه مبارزه تهربخش به «سواپو» پیوستند. از همان زمان بود که شعار «یک نامی بیا، یک ملت»، «زنده باد سواپو» به نشان وحدت خلق، بر پیراهن‌ها و دیوارها، در سراسر کشور، نقش بست. این واکنش‌فراگیر خود بازتاب جلومای از مبارزه افشاگرانه مردم در هموردی متحد تمام‌خلق علیه آفریقای جنوبی بود.

تشکیل مجلس شورای دست‌نشانده

پدینسان، در سال ۱۳۵۲، پرتوریا در برابر رشد درنگ‌ناپذیر جنبش آزادیبخش ملی و تحت فشار نیروهای مترقی جهان، ناگزیر به اجرای یک مانور سیاسی گردید و برگزاری «انتخابات آزاد» بخاطر بنیانگذاری یک «مجلس شورای» دست‌نشانده را اعلام داشت.

سرشت این اقدام به ظاهر نمایانگر استعمارزدایی، گامی جز در جهت تحکیم شالوده‌های رژیم نژادپرست نبود. «سواپو» با درک ماهیت این نیرنگ‌بازی، سیاست اصولی خود را، در شرایط دشوار نیمه علنی، بگونه‌ای موفقیت‌آمیز برای توده‌های مردم بیان داشت.

«سواپو» کارزار پرتوان و گسترده‌ای را برای تحریم این مجلس دست‌نشانده، که با هدف اصلی بازگشت اقوام آفریقایی ساکن نامی بیا به «زادبوم‌ها» تشکیل میشد، براه انداخت. تظاهرات اعتراض‌آمیزی با شرکت ۳۰۰۰ تن در کوتوتورا، واقع در حومه پایتخت، برگزار شد، که با به‌آتش کشاندن شهرداری پایان یافت. برخی ملیت‌ها مانند ناماها و گاو کولندرها (۰۰۰) از معرفی نماینده برای شرکت در «مجلس شورا» سر باز زدند. دیگر ملیتها (مانند ریپو- یودرها (۰۰۰) بعد از چندی نمایندگان خود را از «مجلس» فرخواندند. سرانجام ناخجسته مجلس به فرجام پیش‌بینی شده انجامید.

گامیابی‌های سترگ «سواپو» در عرصه پیکار مسلحانه و شکست برنامه «انتخاباتی» نژادپرستان نشانگر این حقیقت است که مردم آفریقایی نامی بیا سیاست تبهکارانه ایجاد «زادبوم‌ها» را نمی‌پذیرند و «سواپو» را رهبر سیاسی خویش بشمار می‌آورند.

«سواپو» در جلسات سازمان ملل متحد شرکت می‌کند

همگام با افزایش اعتبار بین‌المللی «سواپو» از سال ۱۳۵۵ تاکنون، «سواپو» بعنوان عضو ناظر در جلسات سازمان ملل متحد شرکت می‌کند.

فروپاشی نظام استعماری پرتغال در آفریقا و استقرار دولتهای مترقی مستقل بر ویرانه‌های استعمار، صف‌آرایی نیروهای سیاسی در آفریقا بسود خلقهای پیکارجو، چشم‌انداز تابناک نوینی را در راستای تلاشهای سه نیروی عمده انقلابی عصر حاضر - جامعه کشورهای سوسیالیستی،